



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق الرحیم
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

نگاهی کوتاه به زندگی

رسول اللہ ﷺ
رسول اللہ ﷺ
رسول اللہ ﷺ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی کوتاه به زندگی ام المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	نگاهی کوتاه به زندگی أم المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۳	فهرست
۱۶	ضرورت و اهمیت پرداختن به سیره حضرت خدیجه علیها السلام عصر حاضر
۱۷	نسب حضرت خدیجه علیها السلام
۱۸	القاب حضرت خدیجه علیها السلام
۱۸	اشاره
۱۸	۱- طاهره
۱۹	۲- صدیقه
۲۰	۳- مرضیه
۲۱	۴- کبری
۲۲	۵- سید زنان
۲۴	فضایل و خصائص حضرت خدیجه علیها السلام
۲۴	اشاره
۲۴	۱- اولین زن مسلمان
۲۴	۲- سبقت در ایمان
۲۵	۳- قبول ولایت امیرالمؤمنین
۲۵	۴- حجاب
۲۷	۶- شرح صدر
۲۸	۷- سخاوت
۲۹	۸- حسن رفتار با همسر
۳۱	۹- به یاد خدا

- ۳۲ ۱۰- توقع نداشتن از همسر
- ۳۳ فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در کلام وحی
- ۳۵ فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۳۹ فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام در کلام ائمه معصومین علیهم السلام
- ۴۳ فضایل حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از منظر اهل سنت
- ۴۴ نقش حضرت خدیجه علیها السلام در رشد و تثبیت رسالت
- ۴۴ اشاره
- ۴۵ ۱- حمایت های مالی
- ۴۵ اشاره
- ۴۶ کمک به اسلام آوردن افراد
- ۴۷ شکستن محاصره اقتصادی شعب ابی طالب
- ۴۹ ۲- حمایت های معنوی
- ۴۹ اشاره
- ۴۹ اندوه زدایی
- ۵۰ دلجویی از پیامبر
- ۵۱ سپهر پیامبر در برابر آزار و اذیت مشرکان
- ۵۴ ۴. بازاندیشی درباره شخصیت و سیره حضرت خدیجه علیها السلام
- ۵۴ اشاره
- ۵۵ ۱- سن
- ۵۷ ۲- ازدواج
- ۵۷ اشاره
- ۵۷ ناسازگاری با مبانی اعتقادی مکتب تشیع
- ۵۹ عدم اعتبار گزارش های تاریخی درباره ازدواج خدیجه علیها السلام
- ۶۰ ۳- ثروت
- ۶۰ اشاره
- ۶۱ عوامل مؤثر در افزایش ثروت حضرت خدیجه علیها السلام

۴- فرزندان ----- ۶۵

۵- قبول مهریه توسط حضرت ----- ۶۷

حضرت خدیجه علیها السلام در اشعار شاعران ----- ۶۹

نتیجه گیری ----- ۷۳

منابع ----- ۷۵

درباره مرکز ----- ۸۳

نگاهی کوتاه به زندگی أم المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها

مشخصات کتاب

نگاهی کوتاه به زندگی أم المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها

ص: 1

اشاره

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

ص: 3

نگاهی کوتاه به زندگی أم المؤمنین حضرت خدیجه سلام الله علیها

ص: 5

فهرست

تصویر

□

ص: 6

تصوير

□

ص: 7

ضرورت و اهمیت پرداختن به سیره حضرت خدیجه علیها السلام عصر حاضر

شناختن شخصیت های بزرگ اسلامی، گامی ضروری در جهت تقویت و تحکیم مبانی اسلام است. در دنیای امروز که با بزرگنمایی شخصیت های کاذب، الگوهای نامناسبی برای جوانان، زنان، مردان و خانواده ها ارائه می شود، ضرورت شناخت و ارائه اسوه های شایسته برای تمامی انسان ها به ویژه مسلمانان بیش از پیش محسوس شده است. لذا معرفی آن بانوی بزرگوار به عنوان الگویی نمونه برای زنان جامعه حاضر، امری لازم و ضروری است؛ زیرا امروزه همگان به دنبال الگوی زندگی کاملی هستند و در مصداق الگوها، دچار گنگی و سردرگمی شده اند. از طرفی دیگر شخصیت کامل حضرت خدیجه علیها السلام آن گونه که باید معرفی نشده است. لذا در این نوشتار جنبه های مختلف شخصیتی حضرت خدیجه بررسی شده است تا ایشان به عنوان یک الگوی کامل برای زنان مسلمان معرفی و ارائه شوند. همچنین یکی از کارسازترین راه ها برای از بین بردن شخصیت افراد تأثیرگذار در اسلام، تحریف زندگی آنهاست. بنابراین لازم است با این گونه اقدامات دشمنان، مقابله کرد و نقشه های آنها را خنثی کرد. این کار زمانی اتفاق می افتد که نسبت به تحریفات انجام شده، آگاهی لازم صورت بگیرد.

در هنگامه بررسی تاریخ صدر اسلام در می یابیم حضرت خدیجه علیها السلام یکی از مهم ترین شخصیت هایی هستند که در عصر خود برای رشد اسلام نقش بی بدیلی داشته اند. بر اساس آیات قرآن کریم و منابع معتبر تاریخی، منافقین یکی از خطرناک ترین جریانهای بودند که از صدر اسلام تاکنون، ضربات جبران ناپذیری را به اسلام و مسلمانان وارد کرده اند. یکی از اقدامات آنها، دستبرد به تاریخ زندگی حضرت خدیجه علیها السلام بوده است. با توجه به جایگاه ایشان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، و ویژگی های اعتقادی و اخلاقی ایشان، معرفی این بانوی ارجمند باعث شناخت اسلام راستین می شود. منافقین نیز به این مهم پی برده و دست به تحریف تاریخ زندگی این بانوی ارجمند زدند. لذا آنها تا آنجا که توانستند در چیش زندگی حضرت خدیجه علیها السلام دست بردند و آن را به نحو دلخواه خود عوض کردند. همچنین فضایل و مناقب ایشان را حذف کرده یا به دیگران نسبت داده اند تا از فروغ ایشان در نزد عامه مردم بکاهند و مردم را به طرف

دیگران متمایل سازند. آنان بانشر این اکاذیب و رسوخ دادن آن به تاریخ، سعی در مخدوش کردن چهره خدیجه علیها السلام داشتند.

حقیقت این است که حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان شخصیتی بی نظیر در جامعه ایمانی، هم به عنوان همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نقش همسری و هم به عنوان اولین زن مسلمان آن دوران، نقش بسزایی در پیشبرد اسلام و اهداف آن داشتند. به گواه اسناد و مدارک و منابع اسلامی، این بانوی بزرگوار دارای مقامات ویژه ای هستند. لذا از آنجا که اصولاً کمتر از ایشان یاد می شود و با توجه به حق بزرگی که ایشان بر همه مسلمین دارند، در ادای حقتشان کوتاهی شده است. از طرفی نقش الگویی ایشان نیز اقتضا می کند که به بررسی ویژگی های این شخصیت شاخص پرداخته شود.

نسب حضرت خدیجه علیها السلام

ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام در برترین سرزمین دنیا که همان مکه مکرمه است، متولد شد. ایشان در یکی از والاترین خاندان آن شهر پرورش یافت و از پاکدامنی، کرامت و اخلاق پسندیده چندان بهره یافت که به الگویی آرمانی برای تمامی دختران عرب تبدیل شد. خدیجه علیها السلام در خانه شکوه، افتخار، ریاست و وقار زاده شد؛ لذا به خوبی ستوده شد و دورانیش، دانا و پاکدامن شد. پدرش او را خدیجه نام نهاد که از نام های ارجمندی است. خدیجه در کودکی، احساسات پدر و مادر و خانواده اش را برانگیخته بود. بانوی پاکدامن، ام المؤمنین خدیجه علیها السلام از خاندانی عرب به نام بنی زهره برخاسته است. زهره پسر کلاب بن مره بن کعب بن لؤی است. این خاندان به یکی از خاندان های عرب ساکن مکه منتسب هستند که به مهمان نوازی و دیگر ویژگی های عرب شناخته می شدند. به نظر یعقوبی، نسب درخشان ام المؤمنین علیها السلام در قصی که جد چهارم رسول خدا و جد سوم آن بانوست، با پیامبر یکی می شود. این نسب ارجمند به ابراهیم علیه السلام، پیر پیمبران، می رسد. (1)

پدر ام المؤمنین خدیجه علیها السلام از شخصیت های برجسته و چهره های تابناک خاندان خویش

ص: 10

1- احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 118.

است. نام او خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب نام دارد. (1) منابعی که در دسترس ما قرار دارد چیزی از تاریخ زندگانی او را بازگو نمی سازد، جز اینکه وی مردی شریف، بزرگوار، ارجمند و در جود و سخاوت شهره شهر بوده و او را همین افتخار بس که دختری پاکدامن چون خدیجه علیها السلام داشته است.

مادر ام المؤمنین خدیجه علیها السلام، بانویی ارجمند به نام فاطمه بنت زائده بن الأصم بن هرم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لوی است. (2) این بانوی ارجمند نمونه ای از پاکی و پاکدامنی بوده است. او را همین والایی و شرافت بس که مادر بزرگ والاترین بانوی روزگار خویش و بلکه تمامی روزگاران، زهرای مرضیه علیها السلام، پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است.

القاب حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

در منابع اسلامی، از خدیجه علیها السلام با القابی همچون طاهره، زکیه، مرضیه، صدیقه، سیده نساء قریش (3)، خیرالنساء (4) و بانوی بلندمرتبه (5) و نیز با کنیه ام المؤمنین یاد شده است. (6)

هر کسی در واقع بر اساس اوصاف بارز او، انتخاب و گذارده می شود که در این بخش به برخی از القاب حضرت خدیجه علیها السلام با اشاره خواهد شد.

1- طاهره

از برجسته ترین لقب های بانوی فرزانه حجاز، «طاهره» است؛ (7) چرا که آن حضرت با آن که

ص: 11

-
- 1- علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص 57.
 - 2- احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 21.
 - 3- اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهایة، ج 3، ص 15 .
 - 4- علی بن محمد ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، ج 6، ص 83 .
 - 5- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 100 ، ص 189 .
 - 6- الشیخ غالب سیلاوی، الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة، ص 24 .
 - 7- تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج 1، ص 421؛ تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، ج 1، ص 263؛ خدیجه بنت خویلد، ص 11 و 12.

در میان ناز و نعمت و اعتبار خانوادگی زندگی میکرد، اما این امکانات هرگز نتوانست ایشان را از مسیر پاکی و عفاف خارج کند. ایشان قبل از آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله مدیریت یک مجموعه بزرگ اقتصادی را بر عهده داشت و دهها مرد در تشکیلات او بودند؛ اما جز به قدر ضرورت با آنان ارتباط نداشت. علامه مامقانی مینویسد: «كَانَتْ تُدَاعَى فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالطَّاهِرَةِ؛ خدیجه علیها السلام در روزگار تیره و تاریک جاهلیت، پاک روش و پاک منش یا طاهره خوانده میشد.» (1)

این لقب به خاطر پروا و معنویت بسیار ایشان بوده است. در فرازی از زیارت نامه پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آمده است:

السَّلَامُ عَلَيَّ أَزْوَاجِكَ الطَّاهِرَاتِ الْخَيْرَاتِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ خُصُوصاً الصِّدِّيقَةَ الطَّاهِرَةَ الزَّكِيَّةَ الْمَرْضِيَّةَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ؛ سلام بر همسران پاک و نیکوکردارت که مادران مردم با ایمان هستند، به ویژه بر آن بانوی تصدیقگر حق، آن بانوی پاک سرشت و پاک منش و... حضرت خدیجه کبری مادر مؤمنین.» (2)

بعد از سلام و تحیت بر همه زندهای طاهره پیامبر صلی الله علیه و آله که به فرمایش قرآن ام المؤمنین هستند، سلام خصوصی و جداگانهای بر حضرت خدیجه علیها السلام به همراه لقب طاهره آمده است. بنابراین حضرت از حد اعلی پاکی و طهارت برخوردار بودند که به طور ویژه با این القاب مورد تحیت و سلام قرار گرفته اند.

2- صدیقه

یکی دیگر از القاب آن حضرت، صدیقه است. از ویژگیهای حضرت خدیجه علیها السلام راست گفتاری و درست کرداری بوده است؛ از این رو ملقب به «صدیقه» شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از وی تعبیر به «صدیقه» می کرد و خطاب به جبرئیل فرمود: «هَذِهِ صِدِّيقَةٌ»

ص: 12

1- عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج 3، ص 77؛ شرح المواهب اللدنیه، ج 1، ص 199؛ نهاییه الارب فی فنون الادب، ج 3، ص 151.

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 97، ص 189، باب 3، ح 11.

أُمَّتِي؛ این صدیقه امت من است.»(1) صدیقه به معنای داشتن بهره ای از مقام عصمت است. از نظر لغت شناسان، «صدیقه» به مفهوم بسیار راستگو و راست کردار است. برخی از لغت شناسان می گویند: «صدیق [و صدیقه] کسی است که گفتار و عقیده و اندیشه اش راست است و راستگویی خود را با کردار درست ثابت می کند.»(2) خداوند در قرآن به مؤمنین لقب «صدیق» عطا کرده و می فرماید:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ؛ و آنان که به خدا و رسولانش ایمان آوردند آنها به حقیقت راستگویان هستند.»(3)

و چون حضرت خدیجه علیها السلام اولین مؤمن حقیقی و تصدیق کننده دین مبین بود، شایسته ترین فرد برای دریافت این لقب است.

3- مرضیه

سومین لقب حضرت، مرضیه است. مرضیه، مؤنث مرضی است و در لغت یعنی:

پسندیده، مورد رضایت، خوش خوی و پسندیده خوی.(4) خداوند در قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي»(5)

حضرت خدیجه علیها السلام مظهر مَرْضَات الهی بود، از این رو ملقب به «مرضیه» شد و مرضیه، اشرف و اقوی از «راضیه» است. لذا «نیشابوری» در تفسیر خود در این باره می نویسد: راضیه به کسی گفته میشود که نسبت به مقدرات کائنه و احکام جاریه که از خداوند به او می رسد کمال رضایت را داشته باشد، اما مرضیه به کسی گفته میشود که عند الله مرضیه باشد. در اولی، رضایت از بنده است و در دومی رضایت از حق است و مناط،

ص: 13

1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 21، ص 351.

2- سید محمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس فی جواهر القاموس، ص 123.

3- سوره حدید، آیه 19 .

4- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج 42، ص 177 .

5- سوره فجر، آیات 27 تا 30 .

رضایت حق از عبد است؛ چون بنده از خدای خود راضی است، خداوند هم از او راضی است. چنان که گویند: رضی الله عنهم ورضوا عنه. اگر نفس حضرت خدیجه علیها السلام راضیه من الله نبود، مرضیه عند الله نمی شد و بدین لقب اختصاص نمی یافت، مانند نفوس مطمئنه ائمه معصومین علیهم السلام و به خصوص جناب سید الشهداء علیه السلام که آیه مبارکه: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * اذْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَأَدْخُلِي جَنَّتِي» تأویل به وجود مقدس آن حضرت شده است. حضرت خدیجه علیها السلام نیز از نظر عبادت و فرمانبرداری از خدا، پارسائی و انفاق، شکیبائی و پایداری در راه حق و عدالت و از نظر رفتار و گفتار، همواره پسندیده و مورد خشنودی پروردگار بود. لذا در زیارت نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام با این عنوان یاد شده است:

«السَّلَامُ عَلَىٰ أَرْوَاحِكِ الطَّاهِرَاتِ الْخَيْرَاتِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ خُصُوصاً الصِّدِّيقَةَ الطَّاهِرَةَ الزَّكِيَّةَ الرَّاضِيَةَ الْمَرْضِيَّةَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ...» (1) رضایت پروردگار از بندگان و رضایت بندگان از پروردگار اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا ممکن است که انسان غرق عالی ترین نعمت ها باشد ولی هنگامی که احساس کند مولی و معبود و محبوب از او ناراضی است تمام آن نعمت ها و مواهب در کام جانش تلخ گردد. همچنین ممکن است انسان، واجد همه چیز باشد، ولی به آنچه که دارد راضی و قانع نباشد. بدیهی است که آن همه نعمت با این روحیه، او را خوشبخت نخواهد کرد، ناراحتی مرموزی دائماً او را آزار میدهد و آرامش روح و روان را که بزرگترین موهبت الهی است از او می گیرد. علاوه بر این، هنگامی که خدا از کسی خشنود باشد هرچه که بخواهد به او می دهد و او را خشنود می سازد. نتیجه آن که، بالاترین نعمت این است که خدا از انسان خشنود و او نیز از خدایش راضی باشد.

4- کبری

لقب دیگر آن حضرت، کبری است؛ زیرا از ویژگیهای حضرت خدیجه علیها السلام، بزرگواری و بزرگ منشی آن حضرت است. از این رو ایشان ملقب به لقب «کبری» شدند. «کبری» به

ص: 14

مفهوم پرشکوه تر و ارجمندتر است. (1) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این لقب را پس از ازدواج با ایشان به آن بانوی والا مقام داد. در بخشی از زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، سلام و درود به روح پرفتوح حضرت خدیجه علیها السلام نثار شده است:

السلام علی ازواجک الطاهرات الخیرات امّات المؤمنین، خصوصاً الصدیقه

الطاهره، الزکیه الراضیه، خدیجه الکبری ام المؤمنین...؛ سلام بر همسران پاک و نیکوی تو، مادران مؤمنان به خصوص سلام بر بانوی راستین و پاک و پاکیزه، خشنود و پسندیده، خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ، مادر مؤمنان. (2) همچنین در زیارت نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در روز جمعه وارد شده است می خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضَى وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرَى وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ» (3)

حضرت خدیجه علیها السلام به دلیل شأن و جایگاه رفیعشان ملقب به آن بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز حضرت خدیجه را با لقب کبری می خواندند. در زیارت نامه ها و ادعیه ائمه ای نیز از این بانو بانام خدیجه الکبری نام برده شده است (حرز امام زین العابدین علیه السلام، زیارت هفتم زیارت وارث، دومین زیارت نیمه رجب و زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه).

5- سید زنان

لقب دیگر حضرت خدیجه علیها السلام، سید زنان است. شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در عصر جاهلیت چنان چشمگیر و مورد احترام خاص و عام بود که او را با عنوان «سیده النسوان» و «سرور بانوان» می خواندند. (4) ابن کثیر در «البدایة والنهایة» می گوید: «کانت أوسط نساء قریش نسبا و أعظمه شرفا و اکثرهن مالا؛ خدیجه علیها السلام ماه در نسب و قبیله متوسط بود

ص: 15

-
- 1- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص 1211.
 - 2- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 97، ص 189.
 - 3- عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت نامه حضرت رسول صلی الله علیه و آله
 - 4- عمادالدین طبری، 1383، ص 115.

و در شرافت و بزرگواری بزرگتر از همه و در مال و مکننت از همه ثروتمندتر بود.»(1)

زرقانی از علمای اهل سنت می گوید: «وكانت تسمى سيدة نساء قریش؛ حضرت خدیجه علیها السلام سرور بانوان قریش خوانده شد.»(2)

«توفیق ابوعلم» که از علمای اهل سنت است می گوید: «وكان السیده خدیجه تسمى في الجاهلیة بالطاهرة، وسیده نساء قریش؛ بانو خدیجه علیها السلام در جاهلیت به طاهره و سرور زنان قریش خوانده می شد.»(3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَقَدْ فَضَّلْتُ خَدِيجَةَ عَلَي نِسَاءِ أُمَّتِي؛ خدیجه علیها السلام بر بانوان امت من برتری یافته است.»(4)

همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سادات نساء العالمین أربع: خدیج بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله و آسیه بنت مزاحم و مریم بنت عمران؛(5) سرور بانوان جهان چهار نفر هستند که عبارتند از: خدیجه، فاطمه، آسیه و مریم.»(6)

در شرح نهج البلاغه نیز آمده است که عبدالله بن زبیر در عین دشمنی با خاندان رسالت، در گفت و گویی که با ابن عباس داشته به حضرت خدیجه به عنوان عمه اش افتخار کرده است: «أَلَسْتُ تَعْلَمُ... أَنَّ عَمَّتِي خَدِيجَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ آیا نمیدانی که عمه ام، خدیجه سرور بانوان جهان هست؟»(7)

ص: 16

- 1- ابوالفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر الدمشقی، البدایه و النهایه، ج 2، ص 294.
- 2- محمد بن عبدالباقی زرقانی، شرح المواهب اللدنیه، ج 1، ص 199.
- 3- توفیق ابوعلم، فاطمه الزهراء، ص 36.
- 4- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 7، ص 138.
- 5- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 100، ص 189.
- 6- ناصر رفیعی محمدی، شناخت نامه حضرت خدیجه، ص 132.
- 7- عبد الحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 9، ص 325.

در تاریخ پرفرازونشیب اسلام، کمتر بانویی در جامعه زنان همچون حضرت خدیجه علیها السلام درخشیده است. بهره مندی از صفات عالی انسانی و رفتار برخاسته از بینش متعالی ایشان، چنان شخصیتی از وی ساخته که تا سال ها پس از رحلت جانسوزش، هرگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این نام او را می شنید، اشک بر گونه های مبارکش جاری می شد و از او به بزرگی یاد می کرد.

1- اولین زن مسلمان

ابن عباس گفته است: «فكان أول من صلي من الرجال امير المؤمنين و من النساء خديجه عليها السلام؛ اولین کسی که مسلمان شد و نماز خواند از مردان، حضرت علی علیه السلام و از زنان حضرت خدیجه علیها السلام بود.»⁽¹⁾

خانه حضرت خدیجه علیها السلام اول خانهای بود که نور اسلام در آن تابید. امام علی علیه السلام میفرماید: «ولم يجمع بيت واحد يومئذ في الاسلام غير رسول الله و خديجه و أنا ثالثها؛ در آن روز اسلام به خانهای راه نیافته بود، غیر از خانهای که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام بود و من سومین نفر آنها بودم.»⁽²⁾ بنابراین حضرت خدیجه علیها السلام مقامی دارد که هیچ احدی از زنان عالم به مقام او نخواهد رسید و آن مقام اولین زن مسلمان به رسول خداست.

2- سبقت در ایمان

«خدیجه سابقه نساء العالمین إلى الإیمان بالله و برسوله؛ حضرت خدیجه اولین زن عالم است که در ایمان به خدا و رسولش از همه سبقت گرفت.»⁽³⁾ در این روایت به ایمان و اعتقاد قلبی حضرت خدیجه به خدا و رسولش به عنوان اولین مؤمن و سبقت گیرنده در ایمان اشاره شده است. ایمان درونی، غیر از اظهار و اقرار زبانی به اسلام است؛ چنان که بعضی افراد اظهار اسلام کردند؛ اما هرگز ایمان به قلبهایشان راه نیافت.

ص: 17

1- محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 6، ص 455، ح 7221.

2- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 16، باب 5، ح 16.

3- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 23، ص 111، باب 7، ح 19.

بنابراین مقام ایمان بالاتر و اثرگذارتر از مقام اسلام است.

3- قبول ولایت امیرالمؤمنین

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام ما را در کنار خود نشانند و فرمود: «برای اسلام شروطی است: اقرار به توحید، اقرار به رسالت رسولان، اقرار به معاد و اطاعت اولی الامر و ائمه معصومین با برائت از دشمنان ایشان.» خدیجه به همه اقرار کرد و یکی یکی امامان معصوم علیهم السلام را تصدیق کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص ولایت علی بن ابیطالب، به خدیجه فرمود: «ای خدیجه! این علی مولا و سرور تو و مولا و سرور همه مؤمنین و امام بعد از من است.» خدیجه فرمود: «ای رسول خدا! قطعاً بیعت بر آن چه گفתי با علی بیعت کردم. خدا و تو را بر این بیعت شاهد میگیرم و خدا از حیث شاهدبودن و علیم بودن کافی است.» (1)

4- حجاب

حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها در زمان ظهور اسلام، بلکه قبل از آن هم مسئله حجاب را کاملاً رعایت می کرد. ایشان خود را در معرض دید نامحرمان قرار نمیداد، همان طور که در عصر جاهلیت، آن حضرت ملقب به «طاهره» بود. (2) بعد از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مانند گذشته، این سیره و روش را ادامه داد و به توصیه پروردگار که خطاب به همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ؛ زنها در خانه هایشان بمانند»، عمل کرد. او حتی وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر حسب دستور پروردگار مأموریت پیدا کرد که چهل روز از حضرت خدیجه علیها السلام به فاصله بگیرد و به عبادت پردازد، در این مدت نیز در خانه ماند و تخلف از امر پروردگار و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نکرد. پس از اتمام چهل روز، وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به خانه مراجعت کرد و درب خانه را به صدا درآورد، حضرت خدیجه علیها السلام عرضه داشت: «کیست کوبنده در؟ حق ندارد کسی در این خانه را بزند جز محمد صلی الله علیه و آله.» رسول

ص: 18

1- همان، ج 18، ص 232، باب 1، ح 75؛ همان ج 65، ص 392، باب 27، ح 41.

2- الاصابة في تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، ج 8، ص 99؛ البداية والنهاية، ابوالفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، ج 3، ص 157؛ سبل الهدی الرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف صالحی شامی، ج 2، ص 434؛ الصحيح من السيرة النبي الأعظم، سیدجعفر مرتضی، ج 2، ص 107.

خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای خدیجه! در را باز کن که محمد آمده است.» (1)

آن بانو در برخورد با نامحرم همیشه از پشت پرده و حجاب صحبت می کردند. به نقل تاریخ، ایشان حتی در جلسه خواستگاری شان، از پشت پرده صحبت می کردند؛ مگر جایی که با پیامبر صلی الله علیه و آله صحبت های آخر را کردند. ایشان قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان در اوج نجابت و طهارت بود که ابوطالب علیه السلام بزرگ قریش و سالار بنی هاشم، این گونه او را می ستاید:

«إِنَّ خَدِيجَةَ إِمْرَأَةً كَامِلَةً مِّمْمُونَةٌ فَاضِلَةٌ تَخْشَى الْعَارَ وَ تَحَذِّرُ الشَّنَارَ؛ به راستی که خدیجه علیها السلام بانویی است کامل، مبارك و صاحب فضل که از هرگونه عیب و عار پرهیز می کند و از هر نوع بدنامی و رسوایی دوری می گزیند.» (2)

بنابراین حضرت خدیجه علیها السلام در طول مدت عمر خود مسئله حجاب و پوشش خود در برابر نامحرم را به خوبی رعایت کرد. از این رو بانوان جامعه ما باید در مسئله حجاب، از زندگی نورانی آن حضرت درس بگیرند و حضرت خدیجه علیها السلام را در همه ابعاد به ویژه در موضوع حجاب، الگوی خویش قرار دهند؛ چرا که عده ای کوتاه فکر گمان نکنند مسئله حجاب فقط مربوط به اسلام بوده و دین آسمانی اسلام با واجب کردن حجاب خواسته است که از بانوان سلب آزادی کرده و آنها را در محدودیت قرار داده است.

5- حسن خلق

حضرت خدیجه علیها السلام از اخلاق نیک و حسنه برخوردار بود. ثروت زیاد ایشان، موجب غرور و بد رفتاری با مردم و زبردستان نشد. هر نیازمندی که به آن حضرت مراجعه می کرد با رفتاری مناسب و نیکو، حاجت او را بر آورده می کرد. یکی از ویژگیها و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام این است که خانه ایشان، پناهگاه امن یتیمان، درماندگان و آوارگان بود. هر یتیمی که در زندگی خود نقطه اتکایی نمی یافت، هر پدری که نمیتوانست برای فرزندان خود لقمه نانی تهیه کند، هر زنی که پس از کشته شدن شوهرش بی پناه می ماند و هر رنجدیده، صدمه کشیده و بی پناه، راه خانه حضرت خدیجه را پیش

ص: 19

1- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 78.

2- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 56.

می گرفت. همه به ثروت و مهربانی ایشان پناه می برند و با برخورد پرلطف و عنایت حضرت خدیجه علیها السلام به جراحات قلب خود را مرهم می گذاردند. خانه حضرت دو علامت داشت: یکی قبه سبزی که بر بام آن بود، دیگری رفت و آمد و ازدحام در خانه ایشان بود.

حضرت خدیجه علیها السلام با دوست داشت به فقرا و ستمدیدگان کمک کند. آنها را در هر موقع از روز یا شب می پذیرفت، مهربانی می کرد، با آنها سخن می گفت و به درد دل آنها گوش میداد. دست نوازش بر سر و صورت بچه های آنها می کشید و اشک های چشم مادران را پاک می کرد که بوسه های آنها با قطرات اشکشان به دست او مینشست. آن وقت خدمتکارش «میسره» را می خواند، او نیز کیسه های پول را می آورد و میان آنها تقسیم می کرد. (1)

در طول مدتی که حضرت خدیجه علیها السلام با افتخار همسری با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را داشت، این سیره و روش را ادامه داد، تا جایی که مورد علاقه شدید آن حضرت قرار گرفت. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله تا مادامی که حضرت خدیجه علیها السلام زنده بود با زن دیگری ازدواج نکرد و پس از وفات آن حضرت نیز همیشه از آن بانوی معظمه به نیکی و عظمت یاد می کرد. (2)

6- شرح صدر

انسانها در پذیرش حق و درک مطالب و خودجوشی یکسان نیستند. بعضی افراد با اشاره ای لطیف یا کلامی کوتاه، حقیقت را به خوبی درک می کنند، تذکر آنها را بیدار می سازد و یک موعظه و اندرز در روح آنها طوفانی به پا می کند. در حالی که بعضی افراد دیگر شدیدترین خطابه ها و گویاترین دلایل و نیرومندترین اندرز و مواعظ در وجودشان کمترین اثری نمی گذارد و این مسئله ساده ای نیست. خداوند می فرماید:

«فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ

ص: 20

1- حسین تهرانی، خصایص ام المؤمنین خدیجه الکبری، ص 410.

2- همان، ص 211.

صَيِّقًا حَرْجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ؛ كَسَى كَخَدَا مِي خَوَاهِد اَو رَا هِدَايْت كَنْد، سِينِه اَش رَا بَرَاي (پذيرش) اسلام گشاده مِي سازد، و كَسَى رَا كِه بَخَوَاهِد گَمْرَاه كَنْد، سِينِه اَش رَا چَنان تَنگ مِي كَنْد كِه گَوِيِي مِي خَوَاهِد بِه آسْمَان بِالَا رُود!)»(1)

حضرت خديجه عليها السلام از «شرح صدر» برخوردار بود. روح فراخ و فکر باز ایشان موجب شد که وی از نخستین کسانی باشد که اسلام را بپذیرد،(2) به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پای ایمان بیاورد(3) و اعتراف به ولایت امام امیر مؤمنان علی علیه السلام کند و حقایق و معارف دین را به راحتی قبول کند.

7- سخاوت

ام المؤمنین خديجه عليها السلام از سخاوتمندترین مردمان بود. قریش، مسلمانان بینوا را با تمام

ص: 21

1- سوره انعام، آیه 125.

2- تاریخ یعقوبی، احمد بن واضح یعقوبی، ج 2، ص 23؛ ینابیع الموده لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، ج 1، ص 190؛ طبقات الکبری، ابو عبدالله محمد بن سعد (کاتب واقدی)، ج 8، ص 13؛ الإصابة في تمييز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، ج 8، ص 102؛ أسد الغابه في معرفة الصحابه؛ ابن اثیر، ج 6، ص 78؛ سيره ابن اسحاق، محمد بن اسحاق، ج 2، ص 120؛ المستدرک علی الصحیحین، عبد الله حاکم نیشابوری، ج 3، ص 184؛ عیون الأثر في فنون المغازی و الشمائل و السير ابوالفتح محمد بن سیدالناس، ج 1، ص 111؛ سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف صالحی شامی، ج 2، ص 300؛ البدايه و النهايه، أبو الفداء اسماعیل بن عمرو ابن کثیر الدمشقی، ج 3، ص 23؛ السیره النبویه، ابو منذر بن هشام کلبی، ج 1، ص 240.

3- الاستیعاب في معرفة الأصحاب، ابن عبدالبر، ج 3، ص 1092؛ ینابیع الموده لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، ج 2، ص 381؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج 3، ص 184؛ الإصابة في تمييز الصحابه، ابن حجر سیدرضی الدین علی بن طاووس، ج 1، ص 119؛ بحار الأنوار، عسقلانی، ج 8، ص 100؛ الطرئف من معرفة مذاهب الطوائف، محمدباقر مجلسی، ج 23، ص 40. 112. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ج 18، ص 232 و 233، ح 75؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمدبن حسن حرعاملی، ج 1، ص 281، شماره 25؛ الانوارالساطعه من الغراء الطاهره، غالب سیلاوی، صص 227-340؛ ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، ذبیح الله محلاتی، ج 2، ص 209.

توان آزار و شکنجه میداد و از تمامی حقوق محروم می کرد. خدیجه علیها السلام برای دستگیری از مسلمانان، سهم عمده ای از دارایی خود را بخشید و با سخاوتمندی، اموالش را برای آنان هزینه می کرد و نیازهای آنها را برآورده می ساخت. کمک های مالی حضرت خدیجه باعث حفظ و گسترش اسلام شد، به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله او فرمود: «ما نفعنی مال قط مثل ما نفعنی مال خدیجه؛ هرگز هیچ ثروتی همانند ثروت خدیجه، به من سود نبخشید.» (1)

سرمايه حضرت خدیجه علیها السلام یکی از مهمترین عواملی بود که در صدر اسلام به تازه مسلمانها کمک کرد. دشمنان که متوجه تأثیر ثروت در گسترش اسلام شدند، فدک که هدیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پای به حضرت فاطمه علیها السلام بود را غصب کردند. حضرت خدیجه علیها السلام چنان سخاوتمند بود که چهل گوسفند و شتر راهوار را که برای سواری زنها در کوچیدن تربیت شده بود، به حلیمه دایه پیامبر صلی الله علیه و آله بخشید. (2)

8- حسن رفتار با همسر

حضرت خدیجه علیها السلام ما در طول 25 سال زندگی مشترک با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پیوسته همدم و همفکر و همگام با آن حضرت بود. ایشان با وجود ثروت و شکوه و جمال و کمال، راه فروتنی و اطاعت از همسر بزرگوارش را در پیش گرفت و در همان برخوردهای اولیه از فرط ادب و تواضع، خود را کنیز و خدمتگزار او خواند، و اظهار داشت: «به خانه خودت خوش آمدی. خانه، خانه توست، من نیز کنیز تو هستم.» (3)

همچنین در سراسر زندگی مملو از مهر و محبت خود نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله، همواره بهترین یاور و مهربان ترین مونس و وزیر و مشاور کارآمد آن حضرت بود؛ به طوری که نوشته اند:

«كَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةً صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ يَسْكُنُ إِلَيْهَا؛

ص: 22

1- صدوق، 1417ق، ص 468.

2- ابن اثیر جزری، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، ج 5، ص 215.

3- محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 4؛ سفینه البحار، عباس قمی، ج 1، ص 379؛ الأنوار فی مولد التبی، احمد بن عبدالله بکری، ص 304.

خدیجه وزیر راستین اسلام بود و رسول خدا با [مهر و ملاطفت] او، آرامش خاطر می یافت.» (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از بعثت، هر ماه، چند روز و هر سال، ماه رمضان را برای عبادت و نیایش عارفانه به غار حرا می رفت. حضرت خدیجه علیها السلام نه فقط مانع اجرای برنامه عبادی همسرش و رفتن او به غار حرا نمیشد، بلکه خود نیز مشوق آن حضرت بود. خدیجه هر بامداد و شامگاه پیامبر را بدرقه می کرد و در هنگام بازگشت به پیشواز ایشان می رفت، گاه برای ایشان آب و غذا می برد و مواظب بود تا خلوت همسرش با پروردگارش را به هم نزنند. گاه غلامان و نزدیکان خود را در اطراف کوه حرا به مراقبت از جان گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله می گماشت و خود به انتظار بازگشتن محبوبش به سر می برد. (2) لذا به خاطر این حُسن رفتاری که حضرت خدیجه در طول زندگی خود، با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشت، خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر با اخلاص، پاکدامن، زنی باوقار و خردمند نشان دهیم، بهتر از خدیجه ام المؤمنین علیها السلام ما نمی توانیم پیدا کنیم.» (3)

حضرت خدیجه تمام توان خود را به کار می برد تا امور منزل را مطابق میل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اداره کند. خدیجه علیها السلام چون به میزان علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به عبادت آگاه بود، چنان رفتار می کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پایه به راحتی به عبادت و راز و نیازش مشغول باشد و حضور خدیجه علیها السلام را مانعی برای عبادتش نداند.

زمانی که امر نبوت نزدیک بود و خلوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به درازا کشیده شد، حضرت خدیجه علیها السلام تمام این مدت را به تنهایی گذراند. چنین عبادت های طولانی به طور طبیعی می توانست موجب ناراحتی، دلشوره و نگرانی های مختلفی برای حضرت خدیجه علیها السلام شود، اما او نه تنها اعتراض نمی کرد، بلکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله همراهی می کرد. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمّار یاسر را نزد همسرش حضرت خدیجه علیها السلام فرستاده و پیام دادند:

ص: 23

1- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج 1، ص 511.

2- عبدالحسین امینی نجفی، الغدیر فی الکتاب والسنة، ج 3، ص 238.

3- نساء لهن فی التاریخ الإسلامی نصیب، ص 21.

«ای خدیجه! گمان نکن کناره گیری من به خاطر بی اعتنایی به توست، بلکه پروردگارم چنین فرمود تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت، فکر دیگری نکن. خداوند هر روز، چند بار به خاطر تو، به فرشتگان بزرگش مباحث می کند. پس وقتی که شب شد، در را ببند و در بستر خود استراحت کن.» (1)

9- به یاد خدا

حضرت خدیجه علیها السلام دائماً به یاد خدا بوده، ذکر خدا را می گفت و سرآمد زنان نیایشگر بود. این بانو می دانست که زندگی که با یاد خدا باشد شیرین، زیبا، دلنشین و همراه با آرامش است. همان گونه که نماز نزد خدیجه علیها السلام به جایگاه رفیعی داشت، دعا و نیایش نیز از جایگاه والایی برخوردار بود. او افزون بر دعاها و نیایش های شبانه روزی، جرزها و دعاهای روح بخش و پر محتوایی را نیز همواره با خود و به عنوان یاد خدا و آرامش بخش دل، بر لب و جان داشت. برای نمونه

آن بانوی معظمه این دعا را همیشه به همراه داشت: (2)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ إِنْ تَغْنَيْتُ فَأَغْنِنِي وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ؛ به نام خداوند بخشنده بخشایشگر! ای خدای زنده و زندگی بخش! ای خدای برپا دارنده جهان هستی! من به مهر و رحمت تو پناهنده شده ام. پس خودت پناهم ده، و هرگز به اندازه یک چشم بر هم زدن، مرا به حال خود وامگذار؛ حال و روزم را اصلاح فرما و کران تا کران زندگی ام را آن گونه که خود می پسندی و دوست میداری سامان بخش.» (3)

و نیز این دعا را زیر لب زمزمه می کرد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا اللَّهُ يَا حَافِظُ يَا حَفِيظُ يَا رَقِيبُ؛ به نام خداوند

ص: 24

1- همان، ج 16، ص 79.

2- مهج الدعوات، سید رضی الدین علی بن طاووس، ص 17.

3- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج 91، ص 224.

همگان. « (1)

همچنین آورده اند که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از پیامبر خواست که دعایی به او بیاموزد تا به هنگام طواف خانه خدا آن را زمزمه کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به هنگام طواف بگو: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ خَطَايَا وَ عَمَلِي وَ اسْتِرَافِي فِي أَمْرِي؛ بار خدایا! گناهانم را ببخش و لغزشهای خواسته و ناخواسته و زیاده روی در کارهایم را بر من ببخشای.» (2)

این ارتباط و یاد خدا مسلماً یک طرفه نیست، این خداست که به یاد بنده اش است و بنده هم به فضل الهی از خدا تمسک می گیرد. این ارتباط دو طرفه در زندگی خدیجه علیها السلام در روایتی خیلی زیبا بیان شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وقتی در شب معراج، جبرئیل من را به سوی آسمان ها برد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟ آیا حاجتی داری؟ جبرئیل گفت: حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّي السَّلَامَ؛ حاجت من این است که سلام خدا و من را به خدیجه علیها السلام ما برسانی. پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه علیها السلام رساند، خدیجه گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيَّ جِبْرَائِيلُ السَّلَامُ؛ همانا ذات پاک خدا سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی او باز می گردد و بر جبرئیل سلام باد.» (3)

10- توقع نداشتن از همسر

حضرت خدیجه علیها السلام بسیار بزرگ منش و آراسته به حیا و وقار بود. او در روزهای تنهایی، گرفتاری، ناامنی و محرومیت پیامبر صلی الله علیه و آله از همه حقوق و آزادی و امنیش بر اثر فشار استبداد مایه نهاد و به راه و رسم متریقی او پیوست. او با اینکه پیش از آن، با دست رد زدن به سینه صاحبان ثروت و قدرت، همسری و همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله را به خاطر معنویت و بزرگ منشی او برگزید، و با اینکه ثروت و امکانات گسترده خویش را نثار قدم او کرد و خود مانند همدم و همراهی باوفا و وزیر و مشاور و کارآمد و فداکار، پایه پای او رنجها و

ص: 25

1- مهج الدعوات، سید رضی الدین علی بن طاووس، ص 17.

2- الأنوار الساطعة من الغراء الطاهرة، غالب سیلاوی، ص 330.

3- محمد بن حسن طوسی، امالی طوسی، ص 175.

فشارها و زخم زبان‌ها و ناامنی‌ها و اهانتها و تبعیدها و گرسنگی‌ها را به جان پذیرفت و چیزی هم جز خشنودی خدا نجست و نخواست. با این وصف همین بانوی خرد و پروا در واپسین لحظه‌ها که خود را در آستانه مرگ می‌نگریست، بر آن شد تا در زندگی، یک تقاضای مادی و ظاهری از همسر گرانقدر و حق‌شناس خویش کند، اما شگفتا که گویی از طرح بی‌واسطه‌ان تقاضا نیز احساس شرم و حیا کرد. به همین جهت طرح آن را به دخت فرزانه اش فاطمه علیها السلام واگذار کرد و به او گفت: «فاطمه جان! دخت فرزانه ام! از پدر گران قدرت بخواه که پس از مرگ من، جنازه ام را با یکی از ردهای خودش - که به هنگام فرود وحی و عبادت خدا برتن مینمود. کفن کند و به خاک بسپارد.»

حضرت فاطمه علیها السلام نیز تقاضای مادر را با پدر در میان نهاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز خواسته همسر وفادار و فداکار خویش را به انجام رساند و افزون بر پوشاندن جامه بهشت و کفنی که از سوی خدا برای او آمد، یکی از جامه‌های خویش را نیز بر پیکر او پوشاند و آن پیکر نازنین را در قبرستان «مُعَلّی» در دامنه کوه «حَجُون» بر فراز شهر مکه با مراسمی ویژه به خاک سپرد. (1)

فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در کلام وحی

خداوند متعال، قرآن را برای هدایت مردم نازل کرده است. قرآن برای سعادت و کامیابی انسان‌ها از هر شیوه و روش مناسب تبلیغی استفاده کرده است، به این معنا که هم از زبان قصه استفاده کرده و هم از ضرب‌المثلها و هم از وعده و وعیدها و هم از انداز و تشبیرها و هم از سویی شخصیت‌های منفی و شخصیت‌های رشیدیافته و متعالی را معرفی کرده است. این روش هاهر شخص مدبری را به تأمل و امیدارد که قرآن تماماً در پی تحقق هدفی متعال و مقدس است و آن، تطهیر جان از زنگار رذایل و آراسته شدن به فضایل و در یک کلام رسیدن به مقام قرب الهی است.

در قرآن کریم و روایات، ویژگیهای مهم و متعددی درباره حضرت مطرح شده است. از مهمترین فضایل این بانوی عظیم‌الشان میتوان به کرامت و احسان، عقل و درایت، موحد

ص: 26

1- محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، ج 2، ص 434.

بودن، ولا یتمداری، بهترین و صادقترین همراه و مایه آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله و خلق و خوی پسندیده اشاره کرد. ام المؤمنین، لقبی است که قرآن کریم بر ایشان نهاد و این بیانگر جایگاه و عظمت حضرت خدیجه علیها السلام است.

خداوند متعال در آیه 8 سوره مبارکه ضحی از این بانوی بزرگوار در سرگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله گرامی یاد کرده است:

«وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى»؛ و تورا تهیدست یافت. پس تورا بی نیازت کرد.»

این آیه اشاره به بخشش همه اموال حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله دارد. کلمه «عائل» به معنای تهیدستی است که از مال دنیا چیزی ندارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همین طور بودند. خدای تعالی پیامبر صلی الله علیه و آله را بعد از ازدواج با خدیجه علیها السلام بی نیاز کرد. حضرت خدیجه علیها السلام تمامی اموالش را با همه کثرتی که داشت به آن جناب بخشیده و در حمایت از ایشان نقش بسزایی داشتند. (1)

در تفسیر آیه 11 سوره تحریم نیز روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت، همسرش خدیجه علیها السلام را برترین زنان بهشت معرفی کرده است.

همچنین خداوند متعال در آیه 42 سوره آل عمران می فرماید:

«وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصَّ طَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ و (به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تورا

برگزیده و پاک ساخته؛ و بر تمام زنان جهان، برتری داده است.»

مخاطب این آیه، کمال و پاکی حضرت مریم علیها السلام است، اما مفسران ذیل تفسیر آیه، به حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره کرده اند: «خیر نساءها مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد؛ بهترین زنان مریم دختر عمران و خدیجه دختر خویلد هستند.» (2) لذا می توان دریافت که مصداق دیگر این آیه، حضرت خدیجه علیها السلام هستند.

همچنین خداوند در آیه 74 سوره فرقان می فرماید:

ص: 27

1- محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 20، ص 524.

2- ابوالفداء ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج 2، ص 34.

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ و کسانی که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!»

در تفسیر این آیه آمده است محمدبن عباس از ابی سعید خدری نقل می کند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: از جبرئیل پرسیدم که منظور از ازواجنا و ذریاتنا کیست؟ گفت: خدیجه و فاطمه علیهما السلام و منظور از قُرَّةُ أَعْيُنٍ حسن و حسین علیهما السلام است. همچنین منظور از واجعلنا للمتقین إمامینز امام علی علیه السلام است.» (1)

آیه 214 سوره شعراء نیز اشاره به فضایل حضرت خدیجه علیها السلام دارد: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ؛ و خویشاوندان نزدیک را انداز کن.» پیامبر صلی الله علیه و آله اسلامی در اولین مرحله از دعوت به توحید اقدام به دعوت خویشان و نزدیکان خود کردند. در میان خویشان و نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک ترین خویشان نسبی امیرالمومنین علی علیه السلام بودند و نزدیک تر خویشان ایشان براساس رابطه سببی حضرت خدیجه هستند. این دعوت به دین که در درجه اول شامل علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام می شود خود گواه وجود فضیلتی بزرگ در این انسانهای والا است. (2)

فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله

به گواهی روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، حضرت خدیجه علیها السلام از جایگاه رفیعی نزد خداوند و معصومین علیهم السلام برخوردار بودند. ایشان محبوبه حضرت رسول بودند. تا زمانی که خدیجه علیها السلام زنده بودند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با فرد دیگری ازدواج نکردند. بعد از رحلت شهادت گونه ایشان، پیامبر همیشه از آن بانوی نمونه به نیکی یاد می کردند. ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام از یک سو نقش زیادی در تثبیت رسالت و پیشبرد اسلام داشتند. از سوی دیگر ائمه علیهم السلام به دلیل انتساب به ایشان، افتخار می کردند و موجب سرفرازی ائمه در برابر دشمنان بودند. لذا دشمنان اسلام و بدخواهان آن بانوی بی بدیل، با تحریف

ص: 28

1- همان.

2- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 12، ص 99.

تاریخ زندگی ایشان، سعی در کم ارزش کردن ایشان نزد مسلمانان داشتند.

روایات و احادیث بسیاری در مجد و شرافت حضرت خدیجه علیها السلام نقل شده است که در این بخش تنها به چند نمونه اکتفا میشود. مجموعه این روایات، دلالت روشنی بر شخصیت خورشید پرفروغ عالم اسلام، ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام دارد.

از قول امیرالمؤمنین علیه السلام نقل میکنند: «روزی پیامبر در کنار همسرانش به یاد خدیجه گریه کرد. عایشه گفت: چه خبر است که برای پیرزنی از قبیله بنی اسد این همه گریه میکنی؟! رسول خدا در جواب گفت: شما آن وقت که مرا تکذیب میکردید و کافر بودید، او ایمان آورد و تصدیق کرد و هیچ یک از شما فرزندی نیاوردید ولی او فرزندان آورد.» (1)

ابوسعید خدری از قول پیامبر صلی الله علیه و آله میگوید: «وقتی در شب معراج، جبرئیل مرا به سوی آسمانها برد و سیر داد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: آیا حاجتی داری؟ جبرئیل گفت: حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه برسانی. پیامبر وقتی به زمین رسید، سلام خداوند و جبرئیل را به خدیجه ابلاغ کرد. خدیجه گفت: همانا ذات پاک خدا سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی او باز میگردد و بر جبرئیل سلام باد.» (2)

حضرت خدیجه علیها السلام، همسری مهربانی برای پیامبر بود. ایشان اولین زنی بود که به وی اسلام آورد و با تصدیق رسالت پیامبر تا آخرین لحظه، دست از حمایتش برنداشت. چنانچه پیامبر میفرماید: «دین اسلام به وسیله دو عامل استوار شد: یکی شمشیر علی و دیگر مال خدیجه علیها السلام.» (3)

پیامبر صلی الله علیه و آله برو هرگاه به یاد خدیجه میافتاد میگريست و میفرمود: «خَدِجَةُ وَ أَيْنَ مِثْلُ خَدِجَةَ صَدَّقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَ وَارَثْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ أَعَانْتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا؛ خدیجه و کجاست مثل خدیجه؟ او مرا تصدیق کرد هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند و یاور من

ص: 29

1- همان.

2- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ص 7، باب 5، ح 11.

3- محمدکاظم قزوینی، فاطمه الزهرا من المهد الى اللحد، ص 266.

در راه پیشرفت دین خدا بود و به وسیله مال خود مرا کمک کرد.»(1)

بانو خدیجه علیها السلام زنی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ایشان می فرماید: «چون همه از من روی می گردانیدند، او به من روی می کرد و چون همه از من می گریختند، به من محبت و مهربانی می کرد و چون همه دعوت مرا تکذیب می کردند، به من ایمان می آورد و مرا تصدیق می کرد. در مشکلات زندگی مرا یاری می داد و با مال خود کمک می کرد و غم از دلم می زدود.»(2)

بعد از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و همیشه به یاد محبتها و تلاش های او بود. پیامبر به بانو خدیجه آن چنان علاقه و محبت داشته و قدردان بودند که قبل از ایشان و حتی در زمانی که بانو در قید حیات بودند، همسری دیگر اختیار نکردند.(3) این قدردانی رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به حضرت خدیجه علیها السلام تنها به زمان حیات این بانو خلاصه نمی شد، بلکه پس از وفات ایشان نیز همواره او را یاد و تجلیل می کردند و از هر چیزی که به نوعی یاد و نام بانو را تداعی می کرد، به شایستگی استقبال می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله با آنکه همسران دیگری هم داشتند، هر وقت که به یاد حضرت خدیجه علیها السلام می افتادند، از ایشان به خوبی یاد می کردند و اشک از چشمانشان جاری میشد.

همچنین درباره مقام، منزلت و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در بهشت نیز روایات متعددی در دست است که دال بر بهشتی بودن و جایگاه ویژه این بانوی بزرگوار در نزد خداوند متعال دارد. روایت شده وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر شهادت بود، حضرت فاطمه علیها السلام درباره جایگاه آن حضرت در قیامت سؤالاتی پرسید: «این والدتی خدیجه؛ در آن روز مادرم خدیجه کبری علیها السلام کجاست؟» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فی قصر اربعة ابواب إلى الجنة؛ او در قصری است که چهار در سوی بهشت دارد.»(4) همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ص: 30

1- شیخ علی نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج 3، ص 36.

2- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 13.

3- الامام شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، ج 2، ص 110.

4- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 22، ص 510؛ صدوق، 1400، ص 636.

فرمود: «اللَّهُ تَأَقَّتْ الْجَنَّةُ إِلَى أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ: مَرِيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَآسِيَةُ بِنْتُ مِزَاحِمٍ زَوْجَةُ فِرْعَوْنَ وَهِيَ زَوْجَةُ النَّبِيِّ فِي الْجَنَّةِ وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ زَوْجَةُ النَّبِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؛ بَهْشْتٌ، مُشْتَقٌّ مِنْ جِهَارِ زَيْنِ اسْتِ: مَرِيَمُ دَخْتَرُ عِمْرَانَ، آسِيَةُ دَخْتَرُ مِزَاحِمٍ هَمْسَرُ فِرْعَوْنَ كَيْ هَمْسَرِ بِيَامْبَرٍ فِي بَهْشْتِ اسْتِ؛ خَدِيجَةُ دَخْتَرُ خُوَيْلِدٍ هَمْسَرُ رَسُولِ خُدَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دُنْيَا وَآخِرَتِ وَفَاطِمَةُ دَخْتَرُ مُحَمَّدٍ» (1)

همچنین در روایتی آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله در مجلس عروسی حضرت زهرا علیها السلام با حضرت علی علیه السلام، به یاد حضرت خدیجه علیها السلام با اشک ریختند! آن هم در شبی که لازم بود شادمانی می کردند و از این ازدواج خجسته آسمانی، شاد می بودند!» (2)

پیامبر سال ها پس از درگذشت خدیجه، به یاد او بود و بی نظیر بودنش را مطرح می کرد. هنگامی که عایشه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «خدیجه بیش از همسری مسن برای تون بود»، پیامبر بسیار ناراحت شد و با رد این سخن گفت: «خداوند هیچ گاه برایم همسری بهتر از او جایگزین نکرد، او مرا تصدیق کرد هنگامی که هیچ کس مرا تصدیق نکرد، یاری ام کرد در زمانی که هیچ کس مرا یاری نکرد، از اموالش در اختیارم قرار داد، زمانی که همه اموالش را از من دریغ کردند.» (3)

خداوند متعال در ذیل آیه 8 سوره انفطار فرموده است: «فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» امام مجتبی له فرمودند:

«صَوَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ظَهْرِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى صُورَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَ وَكَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَشْبَهَ النَّاسِ بِفَاطِمَةَ وَكُنْتُ أَنَا أَشْبَهَ النَّاسِ بِخَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ خداوند متعال علی بن ابی طالب را به هنگامی که در پشت ابوطالب بود- به چهره رسول خدا(صلی الله علیه و آله) آفرید و علی بن ابی طالب (علیه السلام) شبیه رسول

ص: 31

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 53 و 54؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفة الأئمة، ج 2، ص 94.

2- همان.

3- یوسف ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج 4، ص 1824.

خدا بود و حسین بن علی به فاطمه شبیه بوده و من به جدّه ام خدیجه کبری شبیه هستم. « (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاقه و محبت شدیدی نسبت به حضرت خدیجه علیها السلام داشتند و همواره به دوستان و آشنایان ایشان را نیز لطف و عنایت می کردند. به طور مثال پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ذبح و قربانی می فرمودند: «اذا ذبح شاه یقول ارسلوا الی اصدقاء خدیجه قال فذکرت له یوما فقال انی لاحب حبیبها؛ از گوشت آن، به دوستان خدیجه نیز بدهید؛ چرا که من دوستان خدیجه را نیز دوست میدارم.» (2)

فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام در کلام ائمه معصومین علیهم السلام

حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت فاطمه علیها السلام و جدّه ائمه اطهار علیهم السلام هستند. این انتساب، یکی از افتخارات ائمه و باعث سرفرازی ایشان در مقابل دشمنانشان بوده است، به گونه ای که اهل بیت در مقابل دشمنانشان به داشتن مادری مثل خدیجه کبری افتخار می کردند. در اینجا چند نمونه از این افتخارات بیان می شود:

1- در عصر خلافت امام حسن مجتبی علیه السلام پس از آنکه معاویه بر اوضاع مسلط شد، به کوفه آمد و چند روز در کوفه ماند. از مردم برای خود بیعت گرفت. پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه خواند. در آن خطبه آنچه توانست به ساحت مقدس امیر مؤمنان علی علیه السلام جسارت کرد و ناسزا گفت، با اینکه امام حسن و امام حسین در مجلس حاضر بودند. امام حسین برخاست تا پاسخ معاویه را بدهد، امام حسن علیه السلام دست او را گرفت و نشانید و خود برخاست و فرمود: «ای آنکه علی علیه السلام را به بدی یاد کردی؟ منم حسن و پدرم علی علیه السلام است. تو معاویه و پدرت صخر است، مادر من فاطمه علیها السلام است و مادر توهند است، جد من رسول خدا صلی الله علیه و آله است و جد تو حرب است. «وجدتی خدیجه علیها السلام و جدتک فتیله...؛ جدّه من خدیجه (بانوی بزرگ اسلام) ولی جدّه توفتیله (زن زشتکار جاهلیت) است. خداوند لعنت کند از ما آن کس که نامش پلید و حسب و نسبش پست

ص: 32

1- ابن شهر آشوب، 1376ه، ج 4، ص 2.

2- ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی احوال النساء الشیعه، ص 206

و سابقه اش بد و داراي كفر و نفاق است.» گروه هاي مختلفی که در مسجد بودند گفتند: آمين! (1)

2- نظير حادثه فوق در مسجدالنبی مدینه رخ داد. امام حسن عليه السلام پای منبر معاويه برخاست و به وجود جده اش أم المؤمنین حضرت خديجه افتخار کرده و فرمود: «و جدتی خديجه و جدتک نثيله؛ جده من أم المؤمنین خديجه عليها السلام و جده تو نثيله است؛ تواز نسل نثيله (ناپاک) به وجود آمده اي، ولی من از نسل أم المؤمنین خديجه کبري ايام هستم و فرق است بين ناپاک زاده و پاک زاده» (2)

3- امام حسين عليه السلام در روز عاشورا در ضمن خطبه ای که خود را به دشمن معرفی می کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا میدانید که جده من خديجه دختر خويلد است؟...» (3) و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا میدانید که من فرزند همسر پیامبر صلی الله عليه و آله شما خديجه هستم؟» (4)

4- همچنین امام حسين عليه السلام در بخشی دیگر خطاب به سپاه مقابل چنین فرمودند:

«أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أَبِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمَّي فَاطِمَةُ الرَّهْرَاءُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ قَالَ أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ؛ شما را به خدا قسم آیا میدانید که رسول خدا جد مناست؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا میدانید که مادرم فاطمه دختر محمد مصطفی است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا میدانید که پدرم علی بن ابی طالب است؟ گفتند: آری. شما را به خدا قسم آیا میدانید که

ص: 33

1- محمد بن محمد مفید، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ص 173.

2- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 44، ص 90؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 16، ص 47.

3- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 44، ص 318.

4- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 44، ص 318.

جده ام خدیجه دخت خویلد اول زن مسلمان از این امت است؟ گفتند: آری» (1)

5- پس از حادثه جانکاه کربلا و پیروزی حق بر باطل، کاروان اسرا به سمت کوفه و سپس شام در حرکت بود. امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام بزرگان این کاروان غم بار بودند. آزار و اذیت خاندان آل الله، دوری مسیر و بد رفتاری ظالمین و ستمگران یزیدی باعث رنجش خاطر فرزندان رسول خدا شده بود. پس از بی احترامیهای آنان نسبت به اهل بیت علیهم السلام وقتی خاندان عصمت و طهارت در مسجد اموی دمشق اجلال نزول کردند و مجلس یزید (لعنه الله علیه) نیز برپا بود، یزید درصدد این بود تا با جسارت تمام، خاندان اهل بیت بلا را خارجی و افراد یاغی و سرکش معرفی کند. پس از آن که اهل بیت علیه السلام بر مجلس یزید وارد شدند، یزید عنان سخن را به دست گرفته و شروع به یاوه سرایی کرد.

وجود مقدس امام سجاد علیه السلام نیز با مشاهده این سخنان باطل و دروغ گویی یزید، ایستاد و خطبه ای مفصل در رسواسازی بنی امیه بیان کردند و پس از حمد الهی، در معرفی خود چنین فرمودند:

«يَا مَعْشَرَ النَّاسِ فَمَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا أَعْرِفُهُ نَفْسِي أَنَا إِنْ مَكَّةَ وَ مِنِّي أَنَا إِنْ مَرَّوَةَ وَ الصَّفَا أَنَا إِنْ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى ... أَنَا إِنْ عَلِيٌّ الْمُرْتَضَى أَنَا إِنْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ أَنَا إِنْ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أَنَا إِنْ الْمُقْتُولِ ظُلْمًا؛ ای گروه مردم! هر کسی مرا می شناسد که می شناسد و هر کسی که مرا نمی شناسد خودم را معرفی می کنم. من فرزند مکه و منی هستم. من فرزند زمزم و صفا هستم، من فرزند محمد مصطفی هستم... من فرزند علی مرتضی و فاطمه زهرا و خدیجه کبری و کسی که به ظلم کشته شده (یعنی امام حسین

هستم» (2)

6- همچنین امام سجاد علیه السلام در ضمن صلواتی بر اهل بیت علیهم السلام، نام حضرت خدیجه کبری علیها السلام را برده اند چنان چه فرمودند: «اللهم صل علی محمد المصطفی، و علی علی المرتضی، و فاطمة الزهراء، و خدیجة الكبرى، و الحسن المجتبی...؛ خدایا بر محمد مصطفی و علی

ص: 34

1- علی بن موسی سید بن طاووس، اللهوف فیقت لیالطفوف، ص 86.

2- ابن شهر آشوب، شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 168؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 44، ص 174.

7- سیدبن طاووس دعایی را از امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده که آن حضرت در نیایش خود ضمن صلوات بر حضرت فاطمه زهرا، بر مادر ایشان حضرت خدیجه کبری نیز درود می فرستد:

«فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أُمَّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجَهَ أَيْبِهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ خدایا بر او [حضرت زهرا] و بر مادرش خدیجه کبری درود بفرست. درودی که به واسطه آن، مقام پدرش (صلی الله علیه و آله وسلم) گرامی داشته شود.» (2)

8- در دعای ندبه که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده است، در فرازی با توجه به حضرت ولی عصر علیه السلام چنین می خوانیم: «این ابن النبی المصطفی، و ابن علی المرتضی، و ابن خدیجه الغراء؛ کجاست پسر پیامبر برگزیده صلی الله علیه و آله و پسر علی پسندیده علیه السلام و پسر خدیجه بلند مقام». واژه «غراء» به معنی شامخ و ارجمند است که در اینجا به عنوان صفت برای ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام ذکر شده است.

حسب و نسب دشمنان، همیشه باعث سرافکندگی و مایه ننگ آنها بوده است؛ چراکه آنان مادرانی خلافکار و ناپاک داشتند. مثلا مادر معاویه از فواحش معروف زمان خود بوده است که روابط نامشروع او با بسیاری از مردان قریشی و غیرقریشی در تاریخ ثبت شده است. همچنین جده عمر بن خطاب نیز این گونه بوده است، حتی خود غاصبین هم به آن اعتراف کرده اند. بنابراین برای منافقین سخت است که وجود مادری مانند حضرت خدیجه را برای اهل بیت علیهم السلام قبول کنند. برای همین سعی کردند تاریخ زندگی حضرت خدیجه علیها السلام را تحریف کنند و از این طریق نسب اهل بیت علیهم السلام را کمرنگ کنند.

ص: 35

1- صحیفه سجادیه.

2- الشیخ ابو جعفر طوسی، مصباح المتعجد.

فضایل حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از منظر اهل سنت

ابن ابی الحدید معتقد است عبدالله بن زبیر با اینکه با خاندان رسالت دشمنی داشت، اما در گفت و گویی با ابن عباس، بر خدیجه علیها السلام به عنوان عمه اش افتخار کرده و می گوید: «أَلَسْتَ تَعْلَمُ أَنَّ عَمَّتِي خَدِيجَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ؛ آیا نمیدانی که عمه ام خدیجه، سرور بانوان هر دو جهان است؟» (1)

لذا طبق همه شواهد موجود در این زمینه اعم از روایات نقل شده از شیعه و سنی، حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت زهرا علیها السلام، سرور بانوان عالمیان هستند؛ ولی منافقان تا جایی که توانستند فضایل و مناقب حضرت خدیجه را حذف کردند. از طرفی دیگر همین فضایل را به دیگران نسبت داده اند تا از فروغ خدیجه علیها السلام در نزد عامه مردم بکاهند و مردم را به طرف دیگران متمایل سازند.

اما منابع تاریخی معتبر خدیجه را بانویی شریف، ثروتمند و دارای اعتبار در روزگار خود معرفی کرده اند. (2) در روایتی از پیامبر، سرور زنان جهان خدیجه علیها السلام، فاطمه علیها السلام، مریم و آسیه معرفی شده اند. (3) همچنین پیامبر، خدیجه را از زنان کامل در جهان (همان) و نیز از بهترین زنان معرفی کرده است. (4)

از ابوهیره در صحیح مسلم نیز نقل شده که جبرئیل به پیامبر عرضه داشت:

«يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةٌ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَأَقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا عَزَّ وَجَلَّ وَمَنِي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ؛ خدیجه باظرفی از غذا و آب به پیش تو می آید. وقتی خدیجه آمد از طرف خدای عالم به او سلام برسان از من جبرئیل هم به او سلام برسان و بشارت بده به حضرت خدیجه که خدای عالم، خانه ای در بهشت

ص: 36

1- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 9، ص 325.

2- محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک، ج 2، ص 281.

3- اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 2، ص 129.

4- احمد بن علی مقریزی، إمتناع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفده والمطاع، ج 15، ص 60.

برای او از تارهای طلا در نظر گرفته که در آنجانه اضطراب و خستگی وجود دارد و نه زوال نعمت.» (1)

همچنین اهل سنت من جمله احمد بن حنبل در مدح حضرت خدیجه علیها السلام آورده است: از انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است: «أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد، وآسية بنت مزاحم امرأة فرعون، ومريم ابنة عمران.» (2)

انسان آگاه با تأمل در شخصیت حضرت خدیجه می تواند دریابد که ایشان از جهات متعددی نسبت به مریم و آسیه برتری دارد. از جمله این فضایل بذل مال، علم، عبادت، معرفت، صبر و شکیبایی، حضانت اولاد، تدبیر منزل و حسن التبعّل است. البته باید گفت مقدمات و زمینه هایی که برای حضرت خدیجه علیها السلام فراهم بود برای آسیه و مریم فراهم نبود. (3)

احمد بن ابی یعقوب در کتاب تاریخ خود که جزو قدیمی ترین کتب تاریخی قدیمی است نقل می کند: «توفیت خدیجة بنت خويلد في شهر رمضان قبل الهجرة بثلاث سنين، ولها خمس وستون سنة، ودخل عليها رسول الله وهي تجود بنفسها، فقال أن الله زوجنيك في الجنة وزوجني مريم بنت عمران وآسية بنت مزاحم و كلثوم أخت موسى؛ رسول خدا بر خدیجه در حالی که در سكرات مرگ بود فرمود: ای خدیجه ضراء! خود را در بهشت از من سلام برسان. عرض کرد: ضراء من چه کسانی هستند؟ فرمود: زنان بهشتی من آسیه و مریم بنت عمران و كلثوم خواهر موسی بن عمران و خدیجه علیها السلام بنت خويلد. خدای متعال آنها را به من تزویج کرده است.» (4)

نقش حضرت خدیجه علیها السلام در رشد و تثبیت رسالت

اشاره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خاتم انبیاء است و دینی که از طرف ایشان برای هدایت و سعادت

ص: 37

1- مسلم بن الحجاج قشیری، صحیح مسلم، ج 4، ص 1887.

2- احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ج 2، ص 194.

3- ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، ص 203.

4- احمد بن یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح، یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35.

انسان ها آورده است، دین جاوید اسلام است که قرار ست تا قیامت باقی بماند. خداوند متعال از روی لطف خویش برای اینکه رسالت پیامبر تثبیت شود، حامیانی از جمله ابوطالب و علی بن ابی طالب (علیهما السلام) قرار داد. یکی از حامیان بسیار مؤثر در این مهم، حضرت خدیجه علیها السلام علی است.

حضرت خدیجه علیها السلام، برترین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله است که منزلت پیامبر اکرم را به نیکویی شناخت و در طول 25 سال زندگی مشترک، در سخت ترین دوران ظهور اسلام، لحظه ای از یاری آن حضرت دست نکشید و تمام وجودش را در گسترش رسالت پیامبر تقدیم کرد و حمایت های بی دریغ و همه جانبه در پیشرفت دعوت پیامبر انجام داد. نقش حضرت خدیجه علیها السلام در تثبیت رسالت پیامبر جنبه های مختلف داشته است.

حمایت های مادی و معنوی حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر گرامی اسلام، در تثبیت اقتدار اجتماعی پیامبر، خنثی شدن توطئه مشرکان قریش در تحریم اقتصادی - اجتماعی در شعب ابی طالب، پیشگیری از اتهامات و سخنان ناروا به پیامبر و کمک به اسلام آوردن افراد نقش بسزایی داشته است.

1- حمایت های مالی

اشاره

مهم ترین و مشهورترین نقشی که حضرت خدیجه علیها السلام در راه تثبیت رسالت پیامبر انجام داد، حمایت اقتصادی بود. ایشان تمامی اموال خویش را به پیامبر بخشید و به طوری که اسلام مدیون ثروت ایشان است. حضرت خدیجه در ابتدای شروع زندگی، برای جلوگیری از بهانه تراشیهای مخالفان با ازدواج با پیامبر اکرم، مهر و صداق را خود بر عهده گرفت. (1)

حضرت خدیجه چند روز پس از ازدواج با رسول اکرم، تمام اموالش را به رسول خدا بخشید تا آن حضرت هر طور که مصلحت میداند آن را هزینه کند. ایشان برای جلوگیری از سیل اتهامات و سخنان ناروا که درباره حضرت محمد می زدند و از سر کینه و حسد او را تحقیر می کردند و یتیم و تهیدست می خواندند. خدیجه علیها السلام پسر عمویش

ص: 38

1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج16، ص 71.

ورقه را خواست و اختیار تمام اموال و دارایی های خود را به او سپرد و دستور داد که تمام دارایی خدیجه را به محمد هدیه کند و یادآور شد: این همه دارایی و اموال از این پس، ملک محمد است و به او تعلق دارد و هر طور که بخواهد می تواند در آن تصرف کند.» (1)

با توجه به همین بذل مهم، در تفسیر آیه «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» (2) آمده است که خداوند تو را پیش قومت، فقیر یافت بی آنکه مالی برای تو باشد. پس با مال خدیجه تو را بی نیاز کرد. (3) پیغمبر نیز در تجلیل این فداکاری فرمود:

«مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ دِينِي إِلَّا بِشَيْئَيْنِ: مَالِ خَدِيجَةَ وَسَيْفِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» (4)؛

این دین به مال خدیجه و شمشیر علی تا روز قیامت پا بر جاشد.»

در پاسخ به این تلاش ها و یاریها بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام را به پاداش خانه ای در بهشت بشارت داد، خانه ای که در آن رنج و ناآرامی نیست. (5)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا ثروت حضرت خدیجه علیها السلام را بدین طریق به مصرف رساند:

کمک به اسلام آوردن افراد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اموال حضرت خدیجه علیها السلام، بردگان تحت شکنجه را خریداری می کردند و بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد و به بینوایان و تهیدستان کمک می کردند. پانزده سال قبل از بعثت پیامبر، حلیمه سعدیه، مادر رضاعی پیامبر روزی به مکه آمد و از قحطی و خشکسالی شکایت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله این موضوع را با خدیجه علیها السلام در میان گذاشتند. حضرت خدیجه چهل شتر و گوسفند به حلیمه بخشیدند و او با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت. پس از طلوع اسلام، حلیمه به همراه شوهرش به مکه آمد و مسلمان

ص: 39

1- همان، صص 75 تا 77.

2- سوره ضحی، آیه 8.

3- صدوق، 1425ق، ص 130

4- محمد مهدی حائری، شجره طوبی، ج 2، ص 233.

5- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 8.

شد. (1) همچنین مسلمانانی که از مکه به مدینه هجرت می کردند و مشرکان اموال آنها را مصادره می کردند پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را با مال حضرت خدیجه علیها السلام بی نیاز می ساختند و موانع و مشکلات را از راه مسلمانان کنار میزدند؛ از همه مهمتر اینکه جلب محبت و جذب دل های کافران می کردند که از آن به «الْمَوْلَفَةَ قُلُوبُهُمْ» (2) تعبیر می شود، البته نه به این معنا که به کافران پول و رشوه داده شده که اسلام بیاورند، بلکه به این معنا که با از بین بردن مشکلات مالی، آنها را نرم کرده و توجه آنها را به زیبایی های دین اسلام و آیین نوع دوستی و برادری آن جلب می کردند. (3)

شکستن محاصره اقتصادی شعب ابی طالب

در سال های نخست بعثت، مشرکان قریش برای از بین بردن اسلام و تسلیم کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر خواسته های خویش به نقشه ها و توطئه های فراوانی اقدام کردند، اما با تدبیرهای پیامبر اکرم و صبر و استقامت وی و مسلمانان، این توطئه ها یکی پس از دیگری خنثی میشد؛ (4) تا اینکه سران قریش به توطئه ای دیگر جهت تسلیم کردن پیامبر اکرم اقدام کردند؛ یعنی هم پیمان شدن بر تحریم اقتصادی - اجتماعی بنی هاشم و بنی عبدالمطلب. (5) سران قریش قطعنامه ای در این باره صادر کرده و آن را در خانه کعبه آویزان کردند که به سبب آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خویشاوندان وی از هرگونه خرید و فروش، ازدواج، ارتباط و معاشرت محروم شدند. (6)

همچنین سران مشرک قریش با اقدام هایی مانند نظارت و مراقبت برای اجرا و عدم نقض تحریم ها، پایین آوردن قدرت مسلمانان با گران تر کردن خرید کالاها از بازار مکه و ممانعت از رسیدن آذوقه و کالا به شعب ابی طالب، وضعیت سختی را برای مسلمانان

ص: 40

1- محمدباقر مجلسی، حیوه القلوب، ص 164.

2- سوره توبه: آیه 60.

3- محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان ج 9، ص 433 و 432.

4- عبد الملک ابن هشام، سیره محمد رسول الله، ص 421 - 379.

5- ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ص 390 و 389.

6- عبد الملک ابن هشام، سیره محمد رسول الله، ج 1، ص 214.

پدید آوردند؛ به گونه ای که هیچ چیز مگر در نهان به آنها نمی رسید. (1) در این هنگام، حضرت خدیجه علیها السلام با فرستادن نمایندگانی، سعی در متقاعد کردن ابوجهل داشتند و هنگامی که از کار خویش نتیجه نگرفتند با کمک برادرزاده شان، حکیم بن حزام، برای شعب، آذوقه تهیه کردند. از این رو اموال حضرت خدیجه علیها السلام در راه پیشرفت و تقویت اسلام، بخش مهمی از توطئه های قریش را خنثی کرد. (2) رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «وَأَنْفَقَ أَبُو طَالِبٍ وَ خَدِيجَةُ جَمِيعَ مَالِهِمَا؛ ...؛ ابوطالب و خدیجه همه اموال خود را برای حفظ اسلام و محاصره شدگان انفاق کردند.» (3) همچنین فرمودند: «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ؛ ؛ هرگز هیچ ثروتی مثل ثروت خدیجه به من سود نبخشید.» (4)

حضرت خدیجه علیها السلام توانستند با بذل مال خویش، یاران اسلام را که در آغاز راه خود قرار داشتند در مقابل دشمنان حفظ کنند و زمینه شکوفایی اسلام و مسلمین را فراهم کنند. (5) بنابراین ثروت و حمایت مالی حضرت خدیجه علیها السلام ما مهم ترین عامل در پیشرفت اسلام بوده است.

محمد علی دخیل در کتابش به نقل از کتانی نقل می کند: «حضرت خدیجه علیها السلام، ثروت هنگفت خود را با سخاوتی وصف ناپذیر به حضرت محمد صلی الله علیه و آله بخشید، در حالی که هرگز این احساس را نداشت که چیزی می بخشد، بلکه این احساس را داشت که از وجود گران مایه او، هدایت و سعادت و رستگاری دو جهان را که بر همه گنجینه های گیتی برتری دارد به دست می آورد.» (6)

ص: 41

1- عزالدین علی ابن اثیر، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ص 98؛ محمد بن سعد، طبقات الکبری، ص 196؛ ابن هشام عبد الملک، سیره محمد رسول الله، ج 1، ص 343؛ احمد بن یحیی، بلاذری، جمل من انساب الاشراف، ج 1، ص 235 و 234؛ بیهقی، 1361: 312 و 66.

2- ساجده العبدالخانی، نقش معنویت حضرت خدیجه در پیشرفت اسلام، ص 272.

3- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 19، ص 16.

4- ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص 468.

5- ابن شهر آشوب، 1376، ج 4، ص 211.

6- علی محمد علی دخیل، خدیجه دختر خویلد، ص 32.

هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسالت خود را آغاز کردند، با دشمنی سرسختانه دشمنان اسلام مواجه شدند تا جایی که فرمودند: « مَا أُودِيَ نَبِيٌّ مِّثْلَ مَا أُودِيَْتُ؛ هیچ پیامبری به اندازه من اذیت نشد!»⁽¹⁾ حضرت خدیجه علیها السلام نقش بسزایی در کم کردن فشارهای روحی ناشی از اذیت و آزار کافران بر پیامبر اکرم داشت. حمایت های معنوی حضرت خدیجه، پشتوانه بزرگ پیامبر برای مقاومت در برابر سرسختیهای مشرکان بود. خداوند به وسیله حضرت خدیجه دشواری ها را بر پیامبرش آسان ساخت تا بتواند رسالت خود را انجام دهد.⁽²⁾

حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان همدم و یار پیامبر صلی الله علیه و آله، نقشی اساسی در پیشبرد و پیشرفت اهداف مقدس ایشان داشت. لذا حضرت خدیجه در برطرف کردن غم و اندوه و ناراحتی و فشار آزار و اذیت های روحی و جسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار تلاش می کرد. این بانوی بزرگوار با آرامش بخشیدن به پیامبر صلی الله علیه و آله و تقویت روحیه ایشان برای انجام اهدافی مقدس، در حقیقت بزرگ ترین خدمت را به «اسلام» و «قرآن» کردند. ایشان برای ایجاد آرامش و تسکین پیامبر صلی الله علیه و آله از روش های گوناگون بهره می گرفتند که در ذیل به برخی از آنها اشاره میشود:

اندوه زدایی

اندوه زدایی از قلب و چهره پرفروغ حضرت محمد صلی الله علیه و آله، آرامش بخشیدن به دل رنجیده و نگران و پر دغدغه ایشان، یکی از ویژگی های بارز شخصیتی حضرت خدیجه علیها السلام است. در حقیقت خداوند متعال این بانوی بزرگوار را وسیله ای قرار داد تا پیامبر صلی الله علیه و آله برای دریافت پیام خداوند و بیان درست زبانی و عملی آن به عصرها و نسل ها در برابر آن همه خودکامگی، کارشکنی، شیطنت و گمراهی تاب بیاورد و با از بین رفتن غم و اندوه، امید تازه ای پیدا کند تا پیمودن مسیر برایش هموار و آسان شود. در منابع معتبر به صورت فراوان نقل شده است:

ص: 42

1- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 2، ص 537.

2- سیدمحمدحسین جلال زاده میدی، خدیجه ام المؤمنین از ولادت تا شهادت، ص 149.

«... وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ يَسْكُنُ إِلَيْهَا .؛ و خدیجه وزیر راستین اسلام (مشاوری خردمند) بود و رسول خدا با مهر و صفای او آرامش می یافت.»(1)

دلجویی از پیامبر

حضرت خدیجه علیها السلام در همه دردها و رنج‌ها و سختی‌های رسالت، از پیامبر دلجویی می‌کرد. در اثبات این ادعا چند روایت بیان میشود:

محمد بن اسحاق روایتی نقل کرده است که حضرت رسول هر وقت از تکذیب قریش و اذیت‌های ایشان محزون و آزرده میشد، هیچ چیز آن حضرت را مسرور نمی‌کرد مگر ذکر خدیجه. هرگاه خدیجه را میدید، مسرور میشد و خدیجه، آن بزرگوار را در بر می‌گرفت و می‌بوسید و امر قریش را توهین می‌کرد و برای سلامتی پیامبر صدقه میداد.(2)

وعن ابن عباس قال: «خرج ذات يوم إلى جبل حراء، فهتف به جبرئيل و لم يبدو له، فغشي عليه، فحملوه مشركو قریش إليها، وقالوا: يا خديجة تزوجت بمجنون، فوثبت خديجة من السرير، وضمته إلى صدرها، ووضعت رأسه في حجرها، وقلبت عينيه، وقالت: تزوجت نبياً مرسلًا؛ روزی پیامبر اسلام هنگام دریافت وحی، بی تاب شد. مشرکان، پیامبر را مدهوش به نزد خدیجه آوردند و گفتند: با مردی دیوانه ازدواج کرده‌ای. خدیجه، پیامبر را به سینه خود فشرد، سر پیامبر را در دامن گرفت و دو چشم پیامبر را بوسید و فرمود: با پیامبری که فرستاده الهی است ازدواج کرده‌ام.»(3)

همچنین هنگامی که وحی بر پیامبر اکرم نازل شد، او از جلال و جبروت خداوند متعال از حال رفت. بعد از آن هم نگران انکار مردم و عدم پذیرش آنها و هراسان از آن

ص: 43

-
- 1- فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج 1، ص 131؛ مجلسی، همان، ج 16، ص 11؛ بیهقی، 1415، ج 2، ص 352؛ ابو محمد عبدالملک ابن هشام حمیری، سیره النبویه، ج 1، ص 416
 - 2- ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه فی أحوال النساء الشیعه، ج 2، ص 205.
 - 3- سید هاشم حسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 67.

مسئولیت بزرگ بود. لذا وقتی که وارد خانه شد، آنچه را که دیده و شنیده بود، برای همسر خود نقل کرد و دل نگرانی های خویش را بازگو کرد. حضرت خدیجه کمترین اثری از ترس و تردید ظاهر نساخت و نگاهی از روی احترام به او کرد(1) و گفت: «أَبَشْرُ يَا بَنِ الْعَمِّ وَاثِبْتُ، فَوَالَّذِي نَفْسُ خَدِيجَةَ بِيَدِهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ نَبِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ شَادٍ وَبَائِدَارٍ بَاشٍ. بِه خَدَائِي كِه جَان خَدِيجَه به دست اوست، من امیدوارم که تو پیغمبر این امت باشی. خدای متعال تو را خار نخواهد کرد، توبه خویشان نیکی می کنی، راست می گویی، رنج میبری، از مهمان پذیری می کنی و از تحمل زحمت در راه حق باک نداری».(2) بنابراین وقتی پیامبر پس از دریافت وحی، از مسئولیت بزرگ و انکار مردم دچار نگرانی و اضطراب میشدند؛ حضرت خدیجه از ایشان دلجویی می کردند و غبار غم را از چهره شان می زدودند.

سپر پیامبر در برابر آزار و اذیت مشرکان

زمانی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دعوت خود را علنی کردند مشرکان مکه که تاب تحمل این دعوت آسمانی را نداشتند با روش های گوناگون به رسول خدا جسارت می کردند. یکی از این روش ها، سنگ پرتاب کردن به حضرت محمد بود. حضرت خدیجه علیها السلام فداکارانه خود را همچون سپری در برابر این سنگ ها قرار میدادند تا جان پیامبر را حفظ کنند. (3) از جمله آنجا که پیامبر اکرم در ابتدای دعوت خود، به بالای کوه مروه رفت و به معرفی خود به عنوان رسول خدا پرداخت، ابوجهل سنگی برداشت و به سوی پیامبر پرتاب کرد و مردم فرومایه نیز به پیروی از ابوجهل، پیامبر را سنگباران کردند. امیر مؤمنان علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به خانه آوردند. هنگامی که مشرکان متوجه شدند که حضرت به خانه بازگشته است، دسته جمعی به سوی خانه حضرت آمدند و خانه را سنگ باران کردند. باز حضرت علی و حضرت خدیجه علیها السلام خودشان

ص: 44

-
- 1- اکرم السادات هاشمی نژاد، سرور زنان جهان ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری، ص 111.
 - 2- ابن شهر آشوب، همان، ج 1، ص 41 و 42.
 - 3- باقر شریف القریشی، ام المؤمنین حضرت خدیجه؛ مضاربه پیامبر اکرم با اموال حضرت خدیجه، ص 119.

را سپر پیامبر قرار می دادند. خدیجه کبری صدا زدند: «ای مردم قریش! شرم و حیا نمی کنید که خانه زنی را سنگ باران می کنید؟ از خدا بترسید». سپس مشرکان پراکنده شده و به خانه های خود رفتند. رسول خدا، خدیجه را صدا زد و او را به سلام خدا و مقام رفیع در بهشت بشارت داد. (1)

حضرت خدیجه علیها السلام با ایمان پاک و محبت خلل ناپذیر خود، برای حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) پشتیبانی وفادار بودند که رنگ غم از آینه روح بزرگش می زدود و او را تقویت می کرد. به دلیل موقعیت مقبول و ممتازی که خدیجه علیها السلام داشت، پناهگاهی برای حضرت محمد به حساب می آمد. هنگامی که نادانان در هر کوی و برزنی، با حربه های جاهلیت به استقبال حضرت محمد می رفتند، دست مهربان و پر محبت خدیجه بود که مرهم امید و حیات بر جراحات جسم و جانش می گذاشت و برای ادامه راه رهایی امت، ایشان را آماده می ساخت. (2)

در میان همه فشارها، سختیها، استهزاء و آزارها، حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها به عنوان یک همسر، بلکه به عنوان کسی که می توانست رسول خدا را بفهمد، همراه و همدل ایشان بود و استقامت می کرد. به راستی فقط او می توانست پیامبر صلی الله علیه و آله را با آن روح بزرگ دریابد و رسول خدا صلی الله علیه و آله در هیچ جا آرام نمی گرفت، مگر در کنار خدیجه طاهره علیها السلام و این آرامش، نه جسمانی و زمینی، بلکه روحانی، آسمانی و الهی بود. (3)

دکتر بنت الشاطی از بانوان نویسندگان مصری معتقد است: «در سال های نخستین مظلومیت پیامبر صلی الله علیه و آله این، حضرت خدیجه علیها السلام مانند یاری غمخوار و مبارز در کنار او قرار گرفت، مقاومت کرد و رنج و عذابی را که از «قریش» در راه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله می رسید، بر او آسان می کرد» (4)

ص: 45

1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 18، ص 243.

2- تهرانی، همان، ص 525.

3- یوسف بن قزاوغلی بن عبدالله بغدادی ابن جوزی، تذکره الخواص الأمه فی خصائص الائمه، ص 273.

4- عایشه بنت الشاطی، بطله کربلاء، ص 13.

پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام یا هر چیز مکروهی را که میدید و میشنید و هر ناروایی را که بر او وارد میشد و محزون و متأثرش میساخت با حضرت خدیجه علیها السلام در میان می گذاشت. خداوند به وسیله آن حضرت، امور ناروا را فرج و گشایش عنایت می فرمود. این بانوی بزرگ اسلام همواره پیامبر را به ثبات و مقاومت فرا می خواند و با درایت و عطف خود، دردها و رنجها و آلام پیامبر صلی الله علیه و آله را تسکین میداد. (1)

حضرت خدیجه علیها السلام: قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله، از امکانات مادی فراوانی برخوردار بود و زندگی نسبتاً آرام و بی دغدغه ای داشت؛ اما در طول زندگی مشترک با آن حضرت، انواع رنجها و محرومیت ها را پذیرا شد و با مشاهده آزار و اذیت هایی که همسر محبوبش از طرف مشرکان متحمل میشد، هرگز صبر و مقاومت خود را از دست نداد. او پیوسته در سایه ایمان و اعتقاد به حقانیت دین پیامبر صلی الله علیه و آله و در راستای کسب رضای پروردگار به صبوری مبادرت می ورزید و رسول خدا صلی الله علیه و آله را نیز به مقاومت دعوت می کرد؛ زیرا پیامبر را به خوبی می شناخت و رسالت او را به روشنی فهمیده و آن را با تمام جانش پذیرفته بود. بنابراین با همه توان خود، در راه تثبیت و گسترش آن، ایستادگی کرد. به راستی که کمتر همسری میتواند این چنین حساس، فهمیده، با کمال و عمیق، عالم و واقع بین باشد.

علامه سیدشرف الدین در این زمینه می نویسد: «او مدت بیست و پنج سال با پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کرد، بدون آنکه زن دیگری در زندگی او شریک شود و اگر در حیات باقی می ماند، پیامبر باز هم شریک دیگری بر نمی گزید. او در تمام طول زندگانی زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر بود؛ زیرا با مال خود به او نیرو می بخشید و با گفتار و کردار از او دفاع می کرد و به او در مقابل عذاب و درد کافران که در راه رسالت و ادای آن نصیبش می کردند، تسلی میداد.» (2)

یکی از مهمترین اقدامات حضرت خدیجه علیها السلام در زمینه تسلی دادن به پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل اذیت و آزار مخالفان، تصدیق و تأیید ایشان در همه زمینه ها بوده است. بدون تردید این

ص: 46

1- محمدبن عبدالکریم ابن اثیر، أسد الغابه في معرفة الصحابه، ج 6، ص 82.

2- علی محمد علی دخیل، خدیجه دختر خویلد، ص 31.

کار بانوی بزرگ اسلام دارای آثار مثبت زیادی در جهت پیشبرد اهداف مقدس پیامبر و ناکامی دشمنان و ایجاد سستی و تزلزل در عقاید خرافی آنان داشته است. روایاتی که در ذیل به عنوان شاهد ذکر می شود دلالت بر اهمیت این موضوع در آن شرایط سخت و دشوار دارد؛ زیرا خدیجه علیها السلام ما زمانی رسول خدا را تأیید و تصدیق کرد که بزرگان قریش و دیگران او را دروغگو یا مجنون می پنداشتند.

روشن ترین دلیل برای ارائه این مطلب این است که پیامبر صلی الله علیه و آله بارها فرمودند: «خَدِيجَةُ وَ أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ؟ صَدَقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَ وَازَرْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ أَعَانْتَنِي عَلَيْهِ بِمَا لَهَا...»؛ از خدیجه سخن گفتید؟ و کجا مانند آن بانوی خرد و پروا، ایمان و اخلاص و بندگی و آزادی می توان یافت؟! او بود که در آن شرایط بحرانی که مردم مرا در دعوت آزادی خواهانه ام دروغگو می انگاشتند. با شهامت، ایمان و راستی و درستی، مرا گواهی کرد؛ در راه دین خدا و پیشرفت، آن بارگران وزارت و یاری و همراهی مرا با درایت و توانمندی به دوش کشید و با دارایی هنگفت خویش، مرا در راه هدفم های بلندم مدد رساند...»(1)

4. بازاندیشی درباره شخصیت و سیره حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، قدرت خلافت و سیطره بر تمامی ارکان حکومتی از یک طرف و ممنوعیت نشر و نقل و کتابت روایات پیامبر صلی الله علیه و آله اسلامی از طرف دیگر، راه جعل و تحریف را در تمامی امور مربوط به دین باز کرده بود؛ به صورتی که کافی بود فروعی از فروع دین یا جزئی از اجزای اعتقادات اسلامی، کوچکترین ضرری برای دستگاه حکومتی خلفا و همچنین توابع آنان داشته باشد تا آن را به کلی حذف کرده یا چنان دستکاری کنند که دیگر کارایی خود را از دست بدهد. از این رو دشمنان اسلام و منافقین برای حفظ منافع خود و مبارزه با نفوذ اسلام، تلاش های زیادی انجام دادند. یکی از اقدامات منافقان، دستبرد در سیره زندگی بزرگان اسلام از جمله حضرت خدیجه علیها السلام است.

نتیجه تلاش های منافقان و دشمنان در این راستا، ورود تحریفات عدیده در تاریخ زندگی آن بانوی نمونه است. آنان با دستبرد در تاریخ موفق شدند شبهاتی درباره زندگی حضرت

ص: 47

در اذهان مسلمین در تمامی عصرها ایجاد کنند و مردم را از حقایق دین منحرف کنند از جمله اینکه حضرت خدیجه علیها السلام از محبوب ترین زنان پیامبر نبوده است؛ زیرا ایشان بیوه بوده و با پیامبر اکرم تفاوت سنی زیادی داشتند و دیگر اینکه حضرت قبل از ازدواج با پیامبر، بادو کافر ازدواج کرده بودند یا اینکه ثروت حضرت خدیجه در گسترش اهداف دین تأثیری نداشته است یا ثروتشان در مقابل ثروت دیگران، ناچیز بوده است.

متأسفانه منافقان به نحوی این کار را انجام دادند که هر کس در ابتدای امر آن مطالب را می پذیرد، اما با اندکی مطالعه در کتب تاریخ مشخص می شود که برخی از این تحریفات با اعتقادات شیعه سازگاری ندارد. از این رو با جعل مطالب در تاریخ، حقیقت آن مطلب ثابت نمی شود، بلکه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام را با توجه به سخنان آن بزرگواران، هر چیزی که با اعتقادات شیعه سازگار باشد را می پذیرند و اگر مخالف بود آن را رد می کنند. در اینجا به بررسی این گونه شبهات پرداخته می شود:

1- سن

یکی از مسائل بحث برانگیز درباره حضرت خدیجه علیها السلام، سن او در هنگام ازدواج با پیامبر خداست. در این موضوع چند نظر وجود دارد که قابل بررسی است.

بر اساس روایات وارده، اختلاف نظرهایی درباره سن حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد از جمله: 25 سال، (1) 28 سال (2)، 35 سال (3)، 40 سال (4)، 44 و 45 سال (5) و 46 سال (6)؛ اما آنچه در گزارش های تاریخی در کتب اهل سنت مشاهده میشود این است که حضرت خدیجه کبری علیها السلام در هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 40 ساله بود. ابن اثیر در تاریخ خود می نویسد: «هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله خدا ایشان را تزویج

ص: 48

-
- 1- احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه، ج 2، ص 72.
 - 2- ابی عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 200.
 - 3- ابن هشام، ج 1، ص 265
 - 4- ابن سعد، 1410ق، ج 8، ص 174؛ ابن اثیر، 1409ق، ج 1، ص 23.
 - 5- محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج 2، ص 274
 - 6- احمد بن یحیی بلاذری، جمل من انساب الأشراف، ج 1، ص 98.

کرد 25 سال داشت و خدیجه علیها السلام 40 ساله بود؛ ولی اقوال دیگری نیز وجود دارد.»⁽¹⁾

اما روایت های معتبرتری نشان میدهد که ایشان تقریباً هم سن رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و در زمان ازدواج مانند آن حضرت، حدود 25 سال داشتند. به طوری که در منابع شیعی سن حضرت هنگام ازدواج با پیامبر را 25، 28، 30 و 32 سال نیز دانسته اند که ما به دو قول مشهور در میان مورخان اسلامی اشاره می کنیم.

اول: عده ای از مورخان می گویند سن خدیجه کبری علیها السلام 25 سال بوده است. در این صورت حضرت با پیامبر اکرم هم سن بوده است. بیهقی در مختصر تاریخ دمشق مینویسد: «سن حضرت خدیجه هنگام ازدواج با رسول خدا 25 سال بوده است.»⁽²⁾

آنچه مورد اتفاق اکثر علمای شیعی است همان سن 25 سال است. مرحوم مجلسی در کتاب حیوة القلوب از شیخ طبرسی نقل می کند: «اول زنی که با پیامبر صلی الله علیه و آله خدای تزویج کرد خدیجه دختر خویلد بود و در این هنگام 25 سال داشت.»⁽³⁾ بنابر دیدگاه بیهقی، اگر سن او در زمان وفاتش 50 سال باشد و پانزده سال قبل از بعثت با پیامبر صلی الله علیه و آله خدا ازدواج کرده باشد در زمان ازدواج 25 ساله بوده است.»⁽⁴⁾

دوم: عده ای هم قائل هستند که سن خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج، 28 سال بوده است. ابن عباس و جمعی از دانشمندان بر آنند که حضرت 28 ساله بوده است.»⁽⁵⁾

آنچه مورد ترجیح کثیری از مورخان است، سن 28 سالگی است. یعقوبی در این باره مینویسد: «وفات خدیجه در سن 57 سالگی بوده است.»⁽⁶⁾ با احتساب اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 25 سال با وی زندگی کرده اند، بنابراین حضرت خدیجه هنگام ازدواج 32 ساله بوده است.

ص: 49

1- علی بن محمد ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفة الصحابه، ج 1، ص 23.

2- بیهقی، 1368، ج 2، ص 7.

3- محمدباقر مجلسی، حیوة القلوب، ج 2، ص 833.

4- بیهقی، 1368، ج 2، ص 7.

5- ابوالحسن اربلی، کشف الغمه فی معرفة الأئمه، ج 2، ص 136 و 139.

6- ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 35.

بعضی از علمای بزرگ شیعه مانند علامه جعفر عاملی این نقل را پذیرفته اند و اعتقاد دارند که سن حضرت خدیجه هنگامی که با رسول خدا پیوند ازدواج بستند، بیشتر از 25 یا 26 سال نبود و حتی قبل از آن هم هیچ ازدواج دیگری نداشته اند. (1) با توجه به دیدگاه برخی علمای شیعه که حضرت خدیجه علیها السلام را هنگام ازدواج با پیامبر، عذراء (دوشیزه) دانسته اند تقویت می شود؛ (2) زیرا بعید به نظر می رسد زنی همچون خدیجه با مقام و مکتب خود در قریش تا 40 سالگی ازدواج نکرده باشد. با توجه به مجموع این دلایل سن خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر را 25 یا 28 سال دانسته اند. در واقع منافقان و مخالفان اسلام، بانشر برخی اکاذیب و رسوخ دادن آنها به درون تاریخ، با بالا بردن سن ایشان سعی در مخدوش کردن چهره حضرت خدیجه علیها السلام در نزد همگان داشتند!

2- ازدواج

اشاره

بعد دیگر تحریف سیره حضرت خدیجه این است که می گویند خدیجه، پیش از ازدواج با پیامبر اسلام، ازدواج کرده است و از آن همسران، صاحب فرزندان شده است. بیه بودن ایشان، در واقع تهمتی نارواست؛ چرا که با واقعیت زندگی ام المؤمنین (سلام الله علیها) فاصله بسیاری دارد. زیرا اولاً این نسبت با عقاید مذهب حقه شیعه ناسازگاری و منافات دارد؛ ثانیاً این مطلب از لحاظ تاریخی نیز فاقد وجاهت و اعتبار کافی است. در اینجا به بررسی این دلایل می پردازیم:

ناسازگاری با مبانی اعتقادی مکتب تشیع

یکی از مسلمات مذهب جعفری، عصمت خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. عصمت در اینجا فقط به معنای پاکی از گناه و فکر گناه نیست؛ بلکه به معنای تطهیر خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از هرگونه رجس و آلودگی است. کامل ترین معنای عصمت در قرآن مجید، در آیه تطهیر وارد شده است. (3) خداوند در این آیه، اهل بیت رسول خدا را مبرا از هرگونه ناپاکی و پلییدی و دارای مقام تطهیر دائمی معرفی کرده است. با توجه به این آیه،

ص: 50

1- جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج 2، ص 114.

2- ابن شهر آشوب، ج 1، ص 159.

3- سوره احزاب: آیه 33.

عصمت از گناه و فکر آن، در برگزیده قسمتی از معنای آیه تطهیر است، اما این آیه نوعی دیگر از عصمت را نیز متوجه این بزرگواران می کند که اغلب در بیان معنای عصمت به دست فراموشی سپرده می شود. این دوری از ناپاکی دارای مصادیق بسیاری است. یکی از آن مصادیق، آلودگی آبا و اجداد معصومین علیهم السلام در زمان جاهلیت است که این مسئله در این آیه به طور کلی نفی شده است. مؤید ما در این مدعی، عباراتی است که در غالب زیارت نامه های وارده از معصومین آمده است:

« كُنْتُ نُورًا فِي الْأَصْدَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا؛ شَمَا نُورِي بُودِيدِ دَرِ صَلْبِ هَايِ مُرْدَانِ بَلَنْدِ مَرْتَبَةِ وَ دَرِ رَحْمَهَائِي زَنَانِ

پاك که جاهلیت، شما را با آلودگی های خود نیالود.» (1)

علاوه بر این یکی از القاب حضرت خدیجه، طاهره است (2) و این لقب در زمان جاهلیت به ایشان داده شد. از این رو می توان فهمید که آن حضرت، در زمان جاهلیت پیرو یکی از ادیان الهی بوده و به احکام آن عمل می کرده است. این پایبندی به حدی بوده که ایشان به طاهره ملقب بوده اند آن هم در دورانی که مردم بیشتر در فساد و بی بندوباری بوده اند. مجلسی می گوید: «او همیشه انتظار ظهور پیامبر موعود را می کشید و از عمومی خود ورقة بن نوفل جوایب نشانه های نبوت بود.» (3) در روایات نیز آمده است احترام حضرت محمدصلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام به خاطر عقیده اش به توحید بوده است. از آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله پانزده سال قبل از بعثت با خدیجه ازدواج کرده، در حالی که هنوز اسلام به آن حضرت عرضه نشده بود و نیز دیگر ادیان الهی به جز ادیان ابراهیمی به نحوی توحید از آنان رخت بر بسته بود. لذا می توان نتیجه گرفت خدیجه علیها السلام به مکتب حنیف و توحیدی ابراهیمی بوده است.

جعفریان خاطر نشان می کند: «حنیف به کسی اطلاق می شود که در مقابل شرک ایستادگی کرده، تمایل به دین حق و توحید ابراهیمی دارد. از آنجا که اجداد پیامبر

ص: 51

1- زیارت اربعین امام حسین علیه السلام .

2- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 12.

3- همان، ص 57.

اکرم صلی الله علیه و آله همه موحد بوده اند، در این صورت ازدواج ایشان با افراد مشرک و بت پرست جایز نبوده است. این موضوع در روایات معصومین علیهم السلام کراراً تصریح شده است. (1)

طبق شریعت‌های توحیدی، ازدواج موحد با کافر و مشرک حرام است و اگر بر خلاف دستور دین، چنین ازدواجی صورت بگیرد، باطل محسوب می‌شود. با این حساب ازدواج ام‌المؤمنین علیها السلام با دو کافری که بت پرست بوده اند، از لحاظ دینی حرام است و در صورت وقوع آن، این ازدواج شرعی نبوده، بلکه امری غیر شرعی محسوب می‌شده است که این خود، نافی پاکی و طهارت است. (2) پس با این توضیحات، اینکه ام‌المؤمنین علیها السلام قبل از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی ازدواج کرده، رد می‌شود؛ زیرا این مطلب درست بر خلاف مبانی اعتقادی شیعه است و قابلیت مادری برای حضرت زهرا علیها السلام و ائمه هدی علیهم السلام را از ایشان سلب می‌کند.

عدم اعتبار گزارش های تاریخی درباره ازدواج خدیجه علیها السلام

اگرچه گزارش های تاریخی درباره ازدواج خدیجه علیها السلام با مغایر با اصول اعتقادی اسلام و به ویژه شیعه است و هیچگونه اعتباری ندارد، اما لازم به ذکر است بازگشت این اخبار به منابع روایی و تاریخی اهل سنت است. این ادعا به طور حتم از منابع آنان صادر شده است و در هیچ یک از منابع روایی شیعه در آن ردپایی نیست. یکی از دلایل آنان می‌تواند توجیه این مطلب باشد کسانی که ادعای جانشینی پیامبر خدا را داشتند از ایمان اجداد خود محروم بودند و برای پر کردن این خلأ دست به تحریف واقعیت های تاریخی زدند. (3)

اکثریت قریب به اتفاق علمای شیعه معتقدند که ایشان تا زمان ازدواج با پیامبر اکرم با هیچ کس ازدواج نکرده اند. سیدمرتضی و شیخ طوسی روایت کرده اند: «چون آن حضرت خدیجه را ترویج کرد، او باکره بود و به عقد شوهر دیگری پیش از آن حضرت در

ص: 52

1- رسول جعفریان، سیره رسول خدا، ص 186.

2- حسین تهرانی، محبوبه المصطفی، ص 30 تا 34.

3- مهدی آقابابایی، تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون ام‌المؤمنین حضرت خدیجه کبری، ص 38.

نیامده بود.» (1) انصاریان در کتاب خود می گویند: «با تحقیقاتی که انجام شده، خدیجه کبری علیها السلام حاضر نشد احدی از افراد مکه را به عنوان شوهر انتخاب کند؛ زیرا فردی را از نظر اخلاق، روش و منش هم شأن خود نمی دید.» (2) بنابراین خدیجه کبری علیها السلام قبل ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز ازدواج نکرده بود.

همچنین واقعی معتقد است: «وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ امْرَأَةً بَاكِرَةً...؛ خدیجه به هنگام ازدواج با رسول خدا باکره بود.» (3) همچنین نقل شده است: «وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ امْرَأَةً بَاكِرَةً ذَاتِ شَرَفٍ وَ مَالٍ كَثِيرٍ وَ تِجَارَةً؛ تَبَعَتْهُ إِلَى الشَّامِ فَتَكُونُ غَيْرَهَا كَعَامَةٍ غَيْرِ قُرَيْشٍ؛ خدیجه زنی باکره، دارای اعتبار و مال بسیار بود. کاروان تجاری اش را به سوی شام می فرستاد و کاروان او به اندازه تمام کاروان قریش بود.» (4)

3- ثروت

اشاره

درباره ثروت حضرت خدیجه علیها السلام شبهات زیادی مطرح می شود از جمله اینکه این ثروت از دو همسر قبلی ایشان به ارث رسیده است و اینکه یک زن جوان، این همه ثروت را چگونه به دست آورده است؟

درباره ارث بردن ثروت از همسران قبلی ایشان، در شبهه بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام پاسخ داده شد. اینکه آن حضرت در جوانی این ثروت را چگونه به دست آورده است، توضیحاتی در ادامه بیان میشود:

غالب مردم شهر مکه، به حرفه تجارت اشتغال داشتند و عزت و قدرت در آن شهر، از آن کسانی بود که ثروت و مکنت داشتند؛ تا جایی که آنها برای رسیدن به ثروت از هیچ تلاشی دریغ نمی کردند، حتی اگر به قیمت خوردن مال یتیم یا گرفتن ربا بود. در چنین محیطی، اراده حقتعالی بر این بود که خدیجه کبری (سلام الله علیها)،

ص: 53

1- محمدباقر مجلسی، حیوة القلوب، ج 2، ص 833

2- حسین انصاریان، مقام حضرت خدیجه، ص 19.

3- ابن جوزی حنفی، تذکرة الخواص الأمة فی خصائص الائمة، ص 271.

4- ابوالقاسم أصبهانی، دلائل النبوه، ج 1، ص 178

ثروتمندترین فرد و باعظمت ترین شخصیت باشد، کسی که ثروتمندترین مرد مکه در خیال خود نیز به رقابت با وی نیندیشد.

به دست آوردن ثروت، امر خارق العاده ای نیست و نیاز به معجزه هم ندارد، بلکه آنچه که در تحصیل ثروت مهم است داشتن فکر و اندیشه اقتصادی است؛ زیرا چه بسا افرادی که از کانال ارث و... به ثروتی دست پیدا کردند، اما به واسطه نداشتن تدبیر و مهارت‌های اقتصادی، نه تنها چیزی به ثروت خود نیفزودند، بلکه آنچه که داشتند را نیز از دست دادند. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) تجربه و بینش بالایی در امر تجارت و به دست آوردن ثروت داشتند. لذا روز به روز به ثروت آن حضرت افزوده می شد تا جایی که او را در زمان جاهلیت به همین خاطر «بانوی قریش» نامیدند. (1)

عوامل مؤثر در افزایش ثروت حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام بانوی ثروتمندی بود که این ثروت عظیم، از مدیریت قوی ایشان سرچشمه می گرفت. ایشان با دقت در انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان با آگاهی از زمان و مکان، طوری تنظیم و تدبیر و برنامه ریزی می کرد که مورد تحسین کاروان بزرگ تجارتهی اش می بود. خدیجه علیها السلام از یمن به حجاز و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و تجاری می رفت و سود سرشار و عادلانه و فراوانی به دست می آورد.

اگر به شرایط آن روز جهان و دنیای عرب و قلمرو حجاز در آن زمان آشنا باشیم، و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی اش را به یاد آوریم، و زنده به گور کردن دختران را بدانیم، آن گاه اداره امر مهم اقتصادی به وسیله یک دختر هوشمند و پاک منش و با مدیریت توانمند و ظریف ایشان، ما را به شخصیت و ویژگی معنوی و برجسته و ابتکار او در کارها و روح مدیریت و سازنده ایشان آشناتر می کند که واقعا حضرت خدیجه در آن روزگارا، خردمندترین و مدبرترین و کارآمدترین زنان بود. (2)

ص: 54

1- حسین تهرانی، خصائص ام المؤمنین خدیجه کبری (س)، ص 126.

2- کرمی، 1396، ص 52.

خدیجه علیها السلام در تجارت خود از رسم رایج بازار آن زمان، یعنی احتکار و انحصار، کم فروشی و فریب، رباخواری و بهره کشی های ظالمانه رایج و هر نوع حرام خواری مرنی و نامرنی برای انباشتن ثروت دوری می کرد. ایشان کار پر شرافت خود را به این گناهان بزرگ آلوده نمی کرد و به کارگران و کارمندان و مدیران خود نیز هشدار می داد که دادوستد، سود و درآمد را با صداقت و هوشمندی و از راه های مشروع و عادلانه تجارت و صادرات و واردات و خدمت به کشور و ملت و تعهد و تخصص به دست آورند.

خدیجه علیها السلام به دلیل همین ویژگی های برجسته اخلاقی و انسانی و مدیریت منطقی و خردمندانه، نه تنها اعتماد بازارهای داخلی، بلکه بازارهای منطقه ای را هم به دست آورده بود و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم باز می کرد. در نتیجه راه های موفقیت او بازتر میشد و مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و... قرار می گرفت. (1)

حضرت خدیجه در مدیریت اقتصادی خویش، همکاران و عوامل اجرایی را از میان انسان های سالم، امانتدار، درست کار، آزمون شده و ریشه دار به همکاری دعوت می کرد. ایشان از دفتر کارش، این کاروان عظیم تجارتي را با سرانگشت نیرومند تدبیر و قدرت گره گشای مدیریت و درایت خویش به حرکت در می آورد و به کارهای اقتصادی خویش سامان می بخشید. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام در روزگار فقدان درایت و مدیریت عادلانه و انسانی، از اصل ایجاد انگیزه در کارکنان و همکاران بهره می جست. پیامبر در مقام حق شناسی از بخشش و بزرگ منشی خدیجه در این راه چنین فرمود:

«مَا رَأَيْتَ مِنْ صَاحِبِهِ لِأَجِيرٍ خَيْرٌ مِنْ خَدِيجَةَ وَ مَا كُنَّا نَرْجِعُ أَنَا وَ صَاحِبِي إِلَّا وَ جَدْنَا عِنْدَهَا تُحْفَةً مِنْ طَعَامٍ تَحْبُوهُ لَنَا .؛ من مدیر و کارفرمایی پر مهرتر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه علیها السلام نسبت به کارکنان و کارگزاران و همکارانش را ندیدم. هرگاه من و دوستم پس از کار، نزد او می رفتیم، میدیدیم غذای گوارایی را که به اشاره

ص: 55

1- عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، تذکره الخواص، ص 271.

2- کرمی، 1396، ص 48.

او برای ما آماده شده بود، آن را به ما هدیه می کرد و با کارگزاران و زیردستان بزرگمنشانه و انسانی رفتار میکرد. (1)

با توجه به عواملی که بیان شد، راز ثروت عظیم حضرت خدیجه مشخص می شود و شبهه ارث بردن از همسران قبلی ایشان رفع می شود. بدون هیچ تردیدی، سرمایه عظیم اقتصادی آن بانوی فداکار در پیشرفت اسلام و برپایی جامعه جدید نقشی اساسی داشت؛ چرا که اسلام در حال شکل گیری، نیاز به امکانات اقتصادی داشت. خدا بر اثر درست اندیشی و اخلاص خدیجه علیها السلام، این افتخار را به او داد که ثروتش را برای پیشرفت دین و آزادی انسان مهیا سازد. با تأمین نیاز اقتصادی پیامبر و مسلمانان همراه او در آن مرحله حساس، هدف پیامبر که برپایی عدالت و آزادی بود محقق شود. به همین جهت پیامبر فرمود: «ما نفعني ما قط مثل ما نفعني مال خديجة: هیچ ثروتی، مانند ثروت خدیجه علیها السلام برای اهداف بلند من سودبخش نیفتاد.» (2)

به گزارش تاریخ، اسلام پس از فرود آمدن بر قلب و زبان پیامبر صلی الله علیه و آله، با دو عامل اساسی، بسط و گسترش یافت: 1. جهاد و فداکاری همه جانبه امام علی علیه السلام؛ 2. ثروت و حمایت های گسترده حضرت خدیجه علیها السلام. به این معنی که قلب مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله شایستگی دریافت وحی و وظیفه خطیر رسالت را بر عهده داشت، امام علی علیه السلام هم با شجاعت بی نظیرش به اسلام قدرت بخشید و حضرت خدیجه علیها السلام نیز تمام مهر و محبت و ثروتش را به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشید تا اسلام محمدی پایدار بماند، اما مخالفان و دشمنان، متأسفانه این واقعیت تاریخی را تحریف کرده اند.

روایت است حضرت خدیجه علیها السلام، به خاطر دفع بدگویی از پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل فقر و تنگدستی، پسر عمویش ورقه بن نوفل را خواست و اختیار تمام اموال و دارایی هایش را به او سپرد که ورقه آنها را به حضرت محمد هدیه کند. ورقه نیز با داشتن دستورالعملی جامع از طرف خدیجه علیها السلام، در میان جمعیت حاضر کنار کعبه و بین زمزم و مقام وارد شد و با صدای بلند فریاد زد: «إن خديجة تشهدكم على أنها قد وهبت نفسها ومالها و

ص: 56

1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 10.

2- همان، ج 19، ص 63.

عبیدها و خدمها و جمیع ما ملکت یمینها و الموائی و الصدق و الهدایا لمحمد... إجلاله و إعظاما و رغبه فیه فکونوا علیها من الشاهدین؛ خدیجه بانوی بزرگ و با اقتدار قریش، شما را به گواهی می طلبد! همه شما شاهد باشید که او خودش، ثروت و سرمایه اش و همه خدم و حشم و جمیع مایملک خود و چهارپایان و صدق و مهریه و هدایایی را که از گوشه و کنار به او رسیده، همه را به محمد بخشیده و در ملک خاص او قرار داده است، تا تجلیل شایسته ای از شأن و شخصیت او به عمل آید و مورد تعظیم و تکریم واقع شود. در عین حال، عشق و علاقه خود را به محمد بازگو کند! همه شما که حرف های مرا شنیدید، بر این گفته ها گواه باشید!» (1)

سلیمان کتانی نیز در این باره می نویسد: «خدیجه، ثروت هنگفت خود را با سخاوتی وصف ناپذیر به حضرت محمد صلی الله علیه و آله بخشید، در حالی که هرگز این احساس را نداشت که چیزی می بخشد، بلکه این احساس را داشت که از وجود گرانمایه او، هدایت و سعادت و رستگاری دو جهان را که بر همه گنجینه های گیتی برتری دارد به دست می آورد. او احساس می کرد که مهر و عشق پاک را به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه می کند و در برابر آن، سعادت و رستگاری و ماندگاری همه جانبه را به دست می آورد!» (2) زُهری می گوید: «به ما خبر رسید که خدیجه، دو بار و در هر بار چهل هزار انفاق برای رسول خدا کرد.» (3)

پس مسلم است که حضرت خدیجه علیها السلام همه دارایی اش را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بخشید. علاوه بر این، هر نیازمندی هم که به او روی می آورد، دست خالی برنمی گشت و در مواقع قحطی و خشکسالی، خانه او پناهگاه نیازمندان و مایه امید دردمندان بود (4) یا اینکه حضرت خدیجه علیها السلام از نعمت های باارزش خداوند بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، که با آن حضرت بیست و پنج سال زندگی کرد؛ در ساعات گرفتاری، بر او مهربانی کرد، در سخت ترین اوقات و در ابلاغ رسالتش یاریش کرد و در جنگ های تلخ با او شرکت کرده

ص: 57

-
- 1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 71.
 - 2- علی محمدعلی دخیل، خدیجه دختر خویلد، ص 32.
 - 3- ابن جوزی، تذکره الخواص، ص 303.
 - 4- محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج 1، ص 92.

4- فرزندان

یکی از فضایل خدیجه علیها السلام نسل پاک و مطهری بود که بعد از خویش به جای نهاد. او مادر دختری بود که در فضیلت، هم پای پدر و همسر و فرزندان معصوم خود بود و در قرآن کریم هرگونه رجس و پلیدی از ساحت آنان پاک شده است. (2) مادری که چنین فرزندی در دامان او رشد کرده است، دارای چه حالاتی بوده است که از طریق رحم، شیر، عمل، اخلاص و پاکی توانسته در این فرزند جلوه گر شود. مقام خدیجه به جایی رسیده بود که در همه دنیا مرسوم است فرزندان را به نام پدر معرفی می کنند، ولی در معارف اسلامی علاوه بر ذکر پدران، به نام مادران نیز معرفی می کنند مانند: وقتی که به اباعبدالله الحسین سلام می دهیم، می گوییم: «السلام علیک یابن فاطمه الزهرا و ابن خدیجه الکبری». (3)

خدیجه زنی بود که در زیارت اربعین، خطاب به امام حسین علیه السلام می خوانیم: «شهادت می دهیم که شما در پشت مردان بزرگوار و رحم های پاکیزه وجود یافتید.» (4) امام مجتبی در توضیح آیه 2 سوره انفطار (5) می فرماید:

«خداوند متعال در صلب مادر، شکل و قیافه علی را به شکل و قیافه پیامبر تصویر کرد. پس علی بن ابیطالب، شبیه ترین فرد به رسول خدا بود و برادرم حسین را به شکل مادرم فاطمه علیها السلام با تصویر کرد و برادرم حسین علیه السلام شبیه ترین فرد به مادرم فاطمه علیها السلام بود و اما من را که می خواست در رحم مادرم صورتگری کند، من را به شکل مادر بزرگم خدیجه صورتگری کرد و من شبیه ترین فرد به مادر بزرگم خدیجه

ص: 58

1- عبدالعزیز شناوی، سیدات نساء اهل الجنة، ص 95.

2- «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» سوره احزاب: آیه 33.

3- شیخ ابوجعفر طوسی، مصباح المتعجد، ص 720.

4- «اشهد انک کنت نورا فی الأصاب الشامخه و الارحام المطهره» زیارت وارث.

5- «فی ای صوره ما شاء رکبک» سوره انفطار: آیه 2.

دربارۀ تعداد فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با خدیجه در میان محققین اختلاف نظر وجود دارد. عده ای از آنان قائل هستند که تنها فرزند آنها، حضرت فاطمه علیها السلام است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرزند دیگری از خدیجه نداشته است. جعفر مرتضی در کتاب خود پس از نقل روایات مختلف از کتابهای شیعه و اهل سنت و بررسیهای گوناگون چنین نتیجه می گیرد:

شواهد متعددی وجود دارد که حضرت خدیجه قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله، اساساً ازدواج نکرده است و هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه بوده است. علامه سوری (ابن شهر آشوب) نقل می کند و می نویسد: «ان النبی قد تزوج خدیجه و هی عذراء؛ همانا پیامبر با خدیجه که دوشیزه بود ازدواج کرد.» چنان که در کتاب «الانوار» و «البدع» این مطلب را تأکید می کند آنجا که نقل شده: «رقیه و زینب دختران هاله خواهران خدیجه بوده اند.» (2)

یکی دیگر از اموری که مطلب فوق را تأیید می کند حدیثی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمود: «علی جان! به تو در زندگی سه امتیاز و ویژگی ارزانی شد که به هیچ کس دیگر از مردم حتی به من ارزانی نشد: 1. به تو افتخار دامادی من داده شد در حالی که من پدر همسری بسان توندارم؛ 2. به تو همسری مانند دختر فرزانه ام فاطمه عنایت شد در حالی که به من همسری مانند او داده نشد؛ 3. به تو پسرانی ارجمند مانند حسن و حسین (علیهما السلام) عنایت شد، اما به من عنایت نشد، اما شما از من هستید و من از شما.» (3)

از این روایت فهمیده می شود با توجه به ویژگی اول در حدیث فوق، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پای تنها یک داماد داشت و او کسی جز امیرالمؤمنین علیه السلام بود. علاوه بر آن صاحب کتاب «استغاثه» می نویسد: «زینب و رقیه دختران خواهر خدیجه بوده اند.» (4) به نظر او برای خدیجه فرزندی جز فاطمه ای نبوده است.

ص: 59

1- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 18، ص 223.

2- عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ص 7 تا 13.

3- محمد بن احمد شافعی، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابیطالب، ج 2، ص 384.

4- علی محمد علی، دخیل، خدیجه علیها السلام دختر خویلد، ص 11.

همچنین مجلسی در بحار الانوار آورده است: «پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و با خدیجه ازدواج کرد در حالی که دوشیزه بود و این امر را تأکید می کند که رقیه وزینب، دختران هاله خواهر خدیجه هستند.» (1) و صاحب کتاب مناقب نیز بیان می کند: «پیامبر اکرم با حضرت خدیجه ازدواج کرد در حالی که باکره بود.» (2)

چیزی که بسیار مورد تأکید و تأیید قرار می گیرد، این است که حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه بوده و رقیه و زینب دختران او نبودند، بلکه دختران خواهرش، هاله بودند و تحت سرپرستی و مدیریت و مهر و مراقبت او قرار گرفتند. (3)

5- قبول مهریه توسط حضرت

شبهه دیگر در دوران معاصر نیز از سوی مستشرقان و بدخواهان با اهدافی خاص، مطرح شده است که نیاز به بررسی بیشتر و پاسخ دارد. (4) از جریان خواستگاری و اظهار علاقه خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و آله می فهمیم این علاقه بر محور ارزش های پاک انسانی بوده است. علامه سید جعفر مرتضی می نویسد: «حضرت خدیجه، پیامبر را برای همسری انتخاب کرد به خاطر اخلاق کریمه و شرافت نفس و شخصیت والای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» (5) وگرنه خدیجه علیها السلام به خاطر موقعیت اجتماعی، مالی، حسب و نسب و شخصیت والایی که داشته خواستگاران زیادی از اشراف و بزرگان مکه داشته است.

مجلسی در کتاب حیوة القلوب می نویسد: «چون ورقه بن نوفل نزد خدیجه آمد، گفت: ای خدیجه! شنیده ام که اراده تزویج داری. جمیع پادشاهان و اکابر عرب تو را طلب کردند؛ مانند عتبه و شیبه و ابوجهل و اهل مکه نیز تو را طلب کردند و تو آنها را رد کردی. خدیجه فرمود: عمو جان! آنها اهل ضلالت و جهالت هستند. ورقه گفت: شنیدم محمد بن عبدالله تو را خواسته است. او اصل نجابت و کرامت و علم و جود

ص: 60

1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 3.

2- ابن شهر آشوب، 1422ق، ج 1، ص 159.

3- ابن شهر آشوب، همان، ج 1، ص 160؛ محمدباقر مجلسی، ج 22، ص 191

4- مهدی پیشوایی، تاریخ اسلام، ص 119.

5- شیخ مرتضی عاملی، 1426ق، ج 2، ص 107.

و مشهور آفاق است. (1) خدیجه در پاسخ به عمومی خویش گفت: من او را خواسته ام و جلالت او را دانسته ام و رفتار او را پسندیده ام و به غیر او به دیگری رغبت نخواهم کرد. (2) ابن هشام نیز به این مطلب اشاره دارد که علت انتخاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط خدیجه علیها السلام، شرافت نفس، سجایای اخلاقی، اخبار از آینده روشن حضرت بوده است. (3)

در گزارشی از کتاب حیوة القلوب آمده است: «هنگامی که پیامبر همراه با عموهای خود به جلسه خواستگاری رفت، ابوطالب خطبه ای در نهایت بلاغت ایراد کرد. وی بعد از حمد و سپاس الهی و بیان برتری ذریه ابراهیم بر دیگران، برتری محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله بر تمام اهل مکه و قبیله قریش را متذکر شد. سپس خطاب به ورقة بن نوفل گفت: آمده ایم خدیجه را از تو خواستگاری کنیم و هر مهر که خواهید از مال خود می‌دهم. ولی خدیجه آن را قبول نمی‌کند و مهر را در مال خویش قرار می‌دهد.» (4)

چنانچه ملاحظه شد، حضرت خدیجه علیها السلام، خود، مهر پیامبر را به گردن گرفت. اطرافیان از این عمل تعجب کردند و گفتند: «عجب! از کی تا به حال زنان مهر مردان را می‌دهند؟!» (5) در این هنگام ابوطالب علیه السلام عصبانی شد (در این حالت جمیع قریش از او می‌ترسیدند) و گفت: «آگاه باشید ای گروه قریش! اگر شوهران دیگر مثل پسر برادر من باشند، زنان به گرامی ترین قیمت ها و بلندترین مهرها ایشان را طلب خواهند کرد و اگر مانند شما باشند مهر گران از ایشان خواهند طلبید.» (6) با عنایت به مطالب ذکر شده، نشان می‌دهد که حضرت خدیجه علیها السلام در پرداخت مهر، خودش داوطلب شد و جایی برای اشکال تراشی منافقان و معاندان باقی نمی‌ماند.

ص: 61

- 1- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ص 146.
- 2- همان، ص 147.
- 3- عبدالملک ابن هشام، سیره نبوی، ص 201.
- 4- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ص 128.
- 5- شیخ مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ج 2، ص 107.
- 6- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ص 129.

حضرت خدیجه علیها السلام در اشعار شاعران

دور شدم از این و آن، با خودم آشنا شدم

آینه در حجاز بود، عاشق مصطفی شدم

سرمه نمیرم به چین، قند و شکر نمی خرم

نقره و زر نخواستم، صاحب کیمیا شدم

بار شتر گذاشتم، وقف تو هر چه داشتم

دانه عشق کاشتم، در قفست رها شدم

با تو جرس به هر نفس، مصرع عاشقانه ایست

با تو پر از قصیده ام، با تو غزل سرا شدم

ای که ملول میشوی از نفس فرشته ها

باور من نمی شود، هم نفس خدا شدم

سفره دل برای من، باز کن آیه ای بخوان

حرف بزن که محرم زمزمهء حرا شدم

قطرة من فرات شد، ذره ام آفتاب شد

پیش تو سید البشر، سیده النسا شدم

پشت سرت من و علی، قامت عشق بسته ایم

تو همه مقتدا شدی، من همه اقتدا شدم

من به تو دست یاعلی داده ام از صمیم دل

مرگ جدام کرده است از تو اگر جدا شدم

لحظه آخرین غزل، ترس ندارم از اجل

پیرهن تو در بغل، با تو دوباره «ما» شدم

- سید حمیدرضا برقعی

دنیا اگر چه مثل پیمبر نداشته

قطعا نبی، مثال تو همسر نداشته

دادی تمام ثروت خود را به راه دین

دین خدا شبیه تو باور نداشته

وقتی وجود پاک تو شد مهد فاطمه

یعنی کسی شبیه تو مادر نداشته

بیبی خوشا به حال تو، چون هیچ مادری

داماد، مثل ساقی کوثر نداشته

چشمش همیشه دوخته بر دست ها بود

هر کس ز خاک خانه تو بر نداشته

سلطانی اش ز خادم دربار کمتر است

آن کس که منصب خود از این در نداشته

جن و ملک به خاک درت غبطه می خورند

بر ذکر و سجده سحر غبطه می خورند

تو در میان خیل زنان بهترین شدی

ام الائمه، لایق صد آفرین شدی

تو در گذشت عمر خودت با رسول ما
بالاتر از همه، به خدا یار دین شدی
بسیار با دعای تو مؤمن شدند و بعد
تو مادرانه مادر این مؤمنین شدی
حُسن جهان به بودن عرش برین اوست
بیبی تویی که زینت عرش برین شدی
از جان و مال و هستی و عمرت گذشتی و
با حضرت رسول امین همنشین شدی
بی بی چه شد که خسته شدی از زنان شهر
بی بی چه شد که با غم و غصه عجین شدی
بی بی چه شد که درد و الم کم نداشتی
هنگام مرگ خود کفنی هم نداشتی

- مهدی نظری

شکر خدا که عبد خدای خدیجه ایم
ما بنده ایم و زیر لوای خدیجه ایم
ما عاقبت به خیر دعای خدیجه ایم
سینه کبودهای عزای خدیجه ایم
از لطف فاطمه است که ما مادری شدیم
با یک دعای نیمه شبش کوثری شدیم

وقتی خدیجه مادر ما شیعه ها بود
دیگر چه غم که جای من و تو کجا بود
با یک دعاش، حاجت ما هم روا بود
از چه پی عبای رسول خدا بود؟!
وقف خدا شده همه مال و منال او
پیغمبر خدا شده محو خصال او
او اولین زنی ست که غم پرور نیست
کوری چشم عایشه، او همسر نیست
هم همسر نبی ست و هم یاور نیست
یعنی که بعد شیر خدا لشکر نیست
آثار رنج در وجناتش عیان شده
مانند محتضر شده و نیمه جان شده
این روزها که حال و هوایش عوض شده
از بس که گریه کرده صدایش عوض شده
مگه، مدینه شد که صفایش عوض شده
از چه خدیجه طرز دعایش عوض شده؟!
دختر برای مادر خود گریه می کند
مادر برای دختر خود گریه می کند
دنیا بنا نداشت به زهرا وفا کند
دنیا بنا نداشت که حق را ادا کند

میخواست که خون به دل مرتضی کند

با هیزم آمده که جهنم به پا کند

نامرد بی حیا، روی او را کبود کرد

با تازیانه بازوی او را کبود کرد

- محمد فردوسی

نتیجه گیری

شواهد تاریخی فراوانی بر محبوبیت حضرت خدیجه علیها السلام به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله باید به طور ویژه دلالت دارد. حضرت خدیجه علیها السلام اولین زنی بود که پیامبر با او ازدواج کرد و در دوران حیات خود تنها همسر پیامبر بود. ایشان نه تنها به عنوان همسری باوفا و مادری مهربان، بلکه محبوبه همسر بزرگوار خود بود. همچنین ایشان بانوی شریف و بی نظیری بودند که یار و حامی پیامبر اکرم در راه اعتلای اسلام ناب بودند و با حمایت های مالی و معنوی خویش باعث تثبیت رسالت پیامبر اکرم شدند.

منافقین برای کم فروغ نشان دادن اسلام در نظر مردم، دست به تحریف تاریخ صدر اسلام و حذف فضائل و مناقب بزرگان اسلام از جمله حضرت خدیجه علیها السلام زدند؛ چراکه حضرت خدیجه در گسترش اسلام نقش بسزایی داشتند. برای همین منافقین تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا اثری از فضایل این بانوی نمونه در تاریخ باقی نماند؛ زیرا با تحریف تاریخ، بزرگان کوچک می شوند و افراد فرومایه بزرگ می شوند؛ همچنین شر و بدی، جای خوبی را می گیرد. لذا در کتب تاریخی از دشمنان اسلام و غاصبین امامت، فضیلت و منقبت جعل شده است؛ همان فضایل و مناقبی که از افرادی بزرگ مثل حضرت خدیجه علیها السلام حذف شده است.

بعد از حضرت خدیجه علیها السلام، همسران دیگری به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله پا نهادند، ولی به شواهد تاریخ هیچیک از آنها نتوانستند جای ایشان را پر کنند. او پس از 25 سال زندگی با پیامبر خدا، در دهم رمضان سال دهم بعثت به لقاء الله پیوست. این فقدان برای پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله بسیار سخت بود؛ به خاطر همین آن سال را عام الحزن نامید.

رسول اکرم در طول عمر خویش همواره به یاد ایشان بود، دوستان او را محترم می شمرد، همواره به یاد ایشان اشک می ریخت و در مناسبت های فراوانی نام و یاد ایشان را زنده نگه میداشت؛ به طوری که اگر گوسفندی ذبح می کرد، گوشت آن را میان دوستان خدیجه تقسیم می کرد و بدین وسیله یاد او را همیشه گرامی میداشت. در نتیجه وظیفه ماهم این است که در پیروی از سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با روش های مناسب یاد حضرت خدیجه علیها السلام را زنده نگه داریم، به ذکر مناقب و فضایل ایشان پردازیم، به پاسخگویی از شبهاتی که سعی در تحریف فضایل ایشان دارد پرداخته و حضرت خدیجه علیها السلام را به عنوان الگوی زنان مسلمان برای زمینه سازی ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معرفی کنیم.

ص: 67

• قرآن كريم.

• نهج البلاغه.

• صحيفه سجاديه.

1. ابن ابى الحديد، عبدالحميد بن هبه الله، (1404)، شرح نهج البلاغه، قم: مكتبه آيت الله مرعشى نجفى
2. ابن اثير جزرى، ابى الحسن عزالدين على بن ابى الكرم محمد بن محمد بن عبدالكريم، (1415)، أسد الغابه في معرفة الصحابه، تحقيق: على محمد معوض وعادل احمد عبدالموجود، بيروت: دارالكتب علميه.
3. ابن اثير، عزالدين على ابن اثير، (1371)، كامل تاريخ بزرگ اسلام و ايران، ترجمه: ابوالقاسم حالت و عباس خليلي، تهران: مؤسسه مطبوعاتي علمى
4. ابن اثير، على بن محمد، (1409ق)، اسد الغابه في معرفة الصحابه، ج6، بيروت، دارالفكر.
5. ابن بابويه القمي، لأبي جعفر محمد بن على، أمالي الصدوق (1400)، بيروت: مؤسسة الأعلمي الطبعه الخامسه.
6. ابن جوزى حنفى، يوسف بن قزاوغلى بن عبدالله بغدادى، (1426)، تذكره الخواص الأمه فى خصائص الأئمه، محقق: خالد عبدالغنى محفوظ، بيروت: دارالكتب علميه.
7. ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، (1418ق)، تذكره الخواص، قم: منشورات الشريف الرضى
8. ابن حجر العسقلانى، ابوالفضل أحمد بن على، الإصابه في تمييز الصحابه، (1415)، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود، و على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلميه، الطبعة الأولى.
9. ابن سعد، (1374)، محمد بن سعد، طبقات الكبرى، تهران: فرهنگ و انديشه.
10. ابن سعد، محمد، (1410ق)، الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد عبد

11. ابن شهر آشوب، مشير الدين ابى عبدالله، (1376)، مناقب آل ابى طالب، ج 1 و ج 4، نجف: المكتبة الحيدريه.
12. ابن عبدالبر، يوسف، (1412ق)، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج 4، تحقيق: على محمد البجاوي، بيروت: دار الجيل.
13. ابن كثير، (1419)، تفسير ابن كثير، بيروت: نشر دارالكتب العلمية.
14. ابن منظور، محمد بن مكرم، (1414)، لسان العرب، ج 2، بيروت: دار صادر.
15. ابن هشام حميري، ابو محمد عبدالملك، (1383)، سيره النبويه (ص)، تحقيق: محى الدين عبدالحميد، مصر: مكتبه محمد علي صبيح و اولاده.
16. ابن هشام، عبد الملك بن هشام، (بى تا)، سيره النبويه، 3 جلدی، بيروت: دارالكتب العلمية.
17. ابن هشام، عبد الملك، (1377)، سيره محمد رسول الله، مترجم: مسعود انصاري، تهران: شركت سهامی انتشارات خورزمی.
18. ابن هشام، عبد الملك، (1392)، سيرة محمد رسول الله (از تبارشناسی تا هجرت)، ترجمه: مسعود انصاري، تهران: انتشارات مولی.
19. ابن هشام، عبد الملك، (بى تا)، سيره نبوی، تحقيق: مصطفى سقا، ابراهيم آياری و عبد الحفيظ شلبي، ج 1، بيروت: دارالمعرفه.
20. ابن شهر آشوب، محمد بن على، (1956م)، مناقب آل ابى طالب، ج 1 و ج 4، تحقيق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ناشر: المكتبة والمطبعة الحيدريه.
21. ابوالفداء، اسماعيل بن عمر، (1407ق)، البدايه و النهايه، ج 2 و ج 3، بيروت: دار الفكر.
22. ابى يعقوب، احمد، (1358 ق)، تاريخ يعقوبی، تحقيق: عبدالامير مهنا، ج 2، بيروت: دارصادر.
23. احمد بن حنبل، (1416)، مسند احمد بن حنبل، قاهره: نشر دارالحديث.
24. احمد رش، رشيد و بارتازيان، كامبيز، (1396)، روشهای تحقيق

25. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی، (1421ق)، کشف الغمه فی معرفة الأئمة، قم: رضی
26. اربلی، علی بن عیسی، (1381ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، 3جلدی، تبریز: بنی هاشمی.
27. اربلی، علی بن عیسی، (1401)، کشف الغمه فی معرفه الائمه (ع)، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، بیروت: دارالکتب اسلامی
28. إصبهانی، ابوالقاسم اسماعیل بن محمد بن الفضل تیمی، (1409)، دلایل النبوه، محقق: محمد حداد، ج 1، ریاض: دار طیبه.
29. الاصفهانی، ابوالفرج، (1381)، مقاتل الطالبین، ج 2، قم: مؤسسه دارالکتاب.
30. انصاریان، حسین، (1388)، مقام حضرت خدیجه، قم: دارالعرفان.
31. آقابابایی، مهدی، (1398)، تحریف تاریخی تحلیلی پیرامون ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری، اصفهان: نورالهیات.
32. البحرانی، سیدهاشم حسینی، (1107ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسة البعثة.
33. بلاذری، احمد بن یحیی، (1417ق)، جمل من انساب الأشراف، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج 1، بیروت: دار الفکر.
34. بنت الشاطی، عایشه، (1391)، بطله کربلاء، مترجم: حبیب چایچیان، مهدی آیت الله زاده نائینی، بیجا.
35. بیهقی، احمد بن حسین، (1405ق)، دلایل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعة، تحقیق: عبدالمعطي قلجی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
36. پیشوایی، مهدی، (1392)، تاریخ اسلام، تهران: معارف.
37. توفیق، ابوعلم، (1374)، فاطمة الزهرا، ناشر چاپی: امیر کبیر.
38. تهرانی، حسین، (1393)، خصائص ام المؤمنین خدیجه کبری (س)، قم: طوبای محبت

39. تهرانی، حسین، (1395)، محبوبه المصطفی، چ2، انتشارات طوبای محبت.
40. جعفریان، رسول، (1386)، سیره رسول خدا، قم: دلیل ما
41. جلال زاده میبدی، سیدمحمدحسین، (1395)، خدیجه ام المؤمنین از ولادت تا شهادت، قم: انتشارات مشهور.
42. حاکم نیشابوری، ابی عبدالله محمد بن عبدالله، (1411)، مستدرک علی الصحیحین، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب علمیه.
43. حائری، محمد مهدی، (1385ق)، شجره طوبی، نجف: مکتب الحیدریه.
44. الحر العاملی، محمد بن الحسن وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، (1409)، تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم: الطبعة الأولى.
45. حسن الجمل، ابراهیم محمد، ام المؤمنین خدیجة بنت خویلد علیها السلام، قاهره: دار الفضیله.
46. الحسین الزبیدی، محمد مرتضی، (1385ق)، تاج العروس فی جواهر القاموس، بیروت: دارالهدیه
47. الحسینی العاملی الشقرائی، سیدمحسن بن عبد الکریم الأمين، (1403)، أعیان الشیعه، إعداد: السید حسن الأمين، بیروت: دار التعارف، الطبعة الخامسة.
48. دخیل، علی محمد علی، (1363)، خدیجه دختر خویلد، ترجمه: فیروز حریری، تهران: امیرکبیر.
49. دمشقی باعونی شافعی، محمد بن احمد، (1415ق)، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابیطالب، دو جلدی، قم: مجمع احیاء ثقافة الاسلامیه.
50. ذهبی، ابی عبدالله شمس الدین محمد بن احمد قایماز، (1413)، سیراعلام النبلاء، محقق: شعیب أونووط، ج10، بیروت: مؤسسة الرساله.
51. رضوانی، علی اصغر، امام علی علیه السلام مظلوم تاریخ، (1390)، نشر ذوی القربی، قم، چاپ اول.
52. رفیعی محمدی، ناصر، (بی تا)، شناختنامه حضرت خدیجه (س)، قم: جامعه المصطفی عالمیه.

53. زرقانى مصرى مالكى، ابو عبدالله محمد بن عبدالباقى بن يوسف، (1417ق)، شرح المواهب اللدنيه بالمنح المحمديه (ص)، تحقيق: محمد بن عبدالعزيز خالدى، ج1، بيروت: دارالكتب العلميه.
54. سيدبن طاووس، على بن موسى، (1395)، اللهوف فيقت لياطفوف، مترجم: محمد اسكندري، ناشر: آرام دل.
55. سيلاوى، غالب، (1424)، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، قم: نشر محلاتى.
56. شريف القرشى، باقر، (1395)، ام المؤمنين حضرت خديجه (س)؛ مضاربه پیامبر اکرم (ص) با اموال حضرت خديجه (س)، ترجمه: سيد محمد صالحى، قم: دارالتهديب.
57. شناوي، عبدالعزيز، (بى تا)، سيدات نساء اهل الجنه، قاهره: مكتبة التراث الاسلامى.
58. شيخ الطوسى، لأبي جعفر محمد بن الحسن، أمالي الطوسى، (1414)، تحقيق: مؤسسه البعثة، دار الثقافه - قم، الطبعة الأولى.
59. صالحى شامى، محمد بن يوسف، سبل اهدى و الرشاد فى سيره خير العباد، محقق: معوض، على محمد، ناشران: دارالكتب العلميه.
60. الصبان الشافعى، محمد بن على، إسعاف الراغبين فى سيرة المصطفى و فضائل اهل بيته الطاهرين عليهم السلام، المطبوع هامش «نور الأبصار»، بيروت: طبع دار الفكر.
61. طباطبايى، محمد حسين، (1374)، ترجمه تفسير الميزان، ترجمه: محمدباقر موسوى، ج20، قم: جامعه مدرسین حوزه علميه قم دفتر انتشارات اسلامى.
62. طبرسى، فضل بن حسن، (1389)، إعلام الورى بأعلام الهدى، محقق: على اكبر غفارى، بيروت: دارالمعرفه.
63. طبرى، محمدبن جرير، (1387ق)، تاريخ الامم والملوك، تحقيق: محمد أبو الفضل ابراهيم، ج2، ج2، بيروت، دارالتراث.

64. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، (1414)، الأمالی، قم: دار الثقافة.

65. طوسی، محمد بن حسن، (1414)، امالی طوسی، قم: انتشارات دار الثقافي.

66. الطوسي، الشيخ ابوجعفر، (1411هـ)، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى 460ق)، مصباح المتعجب، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة.

67. عاملي، جعفر مرتضى، (1415ق)، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، بيروت: دار الهدى.

68. عاملي، جعفر مرتضى، (1426ق)، الصحيح من سيره النبي، ج 2، قم: دار الحديث.

69. العبدالخاني، ساجده، (1396)، نقش معنويت حضرت خديجه در پيشرفت اسلام، دو فصلنامه مطالعات معنوي، شماره دوازدهم.

70. عسقلاني، ابن حجر، (بي تا)، فتح الباري، بيروت: دارالمعرفة.

71. علي بن طاووس، علي بن موسى، (1426)، مهج الدعوات و منهج العبادات، تأليف رضی الدين ابی القاسم علی بن جعفر بن محمد بن طاووس الحسيني، قم: دار انوار المهدي

72. القرطبي المالكي، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، (1415)، تحقيق: علي محمد معوض وعادل أحمد عبد الموجود، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبع

73. قزوینی، محمد کاظم، (1404)، فاطمه الزهرا من المهد الى اللحد، ترجمه: دکتر حسن فریدونی، بیجا: آفاق

74. قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج، (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت: نشر دار احیاء تراث عربی.

75. القندوزی الحنفی، سلیمان بن إبراهیم، ینایع الموده لذوي القربى، تحقيق: علی جمال أشرف الحسيني، طهران: دار الأسوه، الطبعة الأولى

76. مامقانی، عبدالله، (1352ق)، تنقيح المقال في احوال الرجال، ج3، نجف: بمباشرة محمدرضا الغروي.

77. مجلسى، محمدباقر، (1381)، بحار الانوار، تهران: اميركبير.

78. مجلسى، محمدباقر، (1403ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج 44 و ج 100، بيروت: دار الاحياء التراث العربى.

79. مجلسى، محمدباقر، (1413)، بحار الانوار، ج 19، ج 3، بيروت: انتشارات دارالاحياء التراث العربى.

80. مجلسى، محمدباقر، (بى تا)، حيوه القلوب، مشهد: كتاب فروشى جعفرى.

81. مجلسى، محمدباقر، (1404ق)، بحار الانوار، ج 16 و ج 19 و ج 18 و ج 111 و ج 100، بيروت: مؤسسة الوفاء.

82. محدث نورى، ميرزا حسن، (1408)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت.

83. محلاتى، ذبيح الله، (1329)، رياضين الشريعة، نشر دارالكتب الاسلاميه.

84. محلاتى، ذبيح الله، (1385)، رياضين الشريعة فى احوال النساء الشيعه، تهران: دارالكتب اسلاميه.

85. محمد بن إسحاق بن يسار، سيره ابن إسحاق، تحقيق: محمد حميد الله، معهد الدراسات والأبحاث.

86. محمد عبد الله بن يحيى بن سيد الناس، عيون الأثر فى فنون المغازى و الشمائل و السير (السيره النبويه لابن سيد الناس)، (1416)، بيروت: مؤسسه عز الدين.

87. مفيد، محمد بن محمد، (1413ق)، الإرشاد فى معرفه حجج الله على العباد، مصحح: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام)، ج 1، قم: كنگره شيخ مفيد.

88. مقرزى، احمد بن على، (1420ق)، إمتناع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفده والمطاع، تحقيق: عبدالحميد النميسى، بيروت: دارالكتب العلميه.

89. نمازى شاهرودى، شيخ على، (1418)، مستدرک سفينه البحار، تحقيق و تصحيح: شيخ حسن بن على نمازى، قم: مؤسسه نشر اسلامى.

90. هاشمی نژاد، اکرم السادات، (1396)، سرور زنان جهان ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری، قم: المصطفی.
91. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق، (1371)، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، ج6، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
92. یعقوبی، احمد بن یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح، (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.
93. بکری، احمد بن عبدالله، (1411)، الأنوار فی مولد النبی، قم: انتشارات شریف رضی
94. دیار بکری، حسین بن محمد، (1283)، تاریخ الخميس فی احوال انفس نفیس، ج 1، مصر: المطبعة الوهبیه.
95. تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج 1، ص 421؛
96. قطب، محمد علی، خدیجة بنت خویلد، بیروت: دار القلم.
97. قمی، عباس، (1416)، سفینه البحار، ج 1، قم: دارالاسوه.
98. زرقانی، عبدالباقی بن یوسف، (1417)، شرح المواهب اللدنیه، تحقیق: محمد عبدالعزیز خالدی، ج 1، بیروت: دارالکتب العلمیه.
99. علی بن طاووس، سید رضی الدین، (1411)، مهج الدعوات، قم: دار الذخایر.
100. تیری، شهاب الدین احمد، (1342)، نهایه الارب فی فنون الادب، ج3، قاهره: مطبعة دار الکتب المصریه.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

